



مناسبات جمهوری اسلامی و دولت فرانسه

دست ((شیطان بزرگ)) را وارثان خمینی چگونه خواهند فشرد ؟ !

در اوائل آبان ماه ، سفر خاتمی به فرانسه و مناسبات جمهوری اسلامی با دولت فرانسه در صدر اخبار مطبوعات دو کشور و برخی خبرگزاریهای جهان قرار گرفت. مطبوعات ، گزارش های مفصلی از این سفر و اهمیت آن در عرصه های اقتصادی و دیپلماتیک برای جمهوری اسلامی منتشر ساختند . خاتمی که به دعوت دولت فرانسه عازم این کشور شد، مورد استقبال گرم مقامات رسمی قرار گرفت. اودر دیدار با شیراک ونیزرئیس مجلس سنا خواستار گسترش هرچه بیشتر مناسبات بین جمهوری اسلامی و فرانسه شد و آنها نیز به سهم خود از این گسترش مناسبات استقبال کردند. در واقع نیز این هردو دولت شدیداً به این گسترش مناسبات نیاز دارند. رژیم جمهوری اسلامی که با یک بحران عمیق اقتصادی روبروست و در تلاش است موقعیت بین المللی خود را بهبود بخشد، نیازمند توسعه این مناسبات در زمینه های اقتصادی و سیاسی است. محمد خاتمی به نمایندگی از جمهوری اسلامی اولاً می خواهد با جلب حمایت انحصارات ، زمین را برای صدور هرچه بیشتر سرمایه های فرانسوی به ایران هموار کند، تا شاید بحران اقتصادی موجود را مهار کند . ثانیاً - او می خواهد با گسترش مناسبات سیاسی - دیپلماتیک با قدرتهای امپریالیست جهان ، موقعیت بین - المللی رژیم را که قطعاً بر موقعیت داخلی آن نیز تاثیر خواهد گذاشت بهبود بخشد ، ثالثاً - موقعیت خود را در دستگاه دولتی جمهوری اسلامی مستحکم سازد.

برای فرانسه آنچه که بیش از هر چیز در این بسط و توسعه مناسبات ، حائز اهمیت است ، منافع انحصارات فرانسوی و تلاش برای کسب سهم بیشتر از بازار ایران در جریان رقابت شدید انحصارات بین المللی است. انحصارات فرانسوی

صفحه ۲

نقش اعتصاب عمومی سیاسی در روند سرنگونی جمهوری اسلامی

اکنون دیگر همگان میبپذیرند که جمهوری اسلامی با بزرگترین بحران سیاسی تمام دروان حیات خود روبروست . ابعاد و ژرفای این بحران تا به آن حد است که حتی هیئت حاکمه نیز به واقعیت وجودی آن اعتراف میکند و جناح های هیئت حاکمه هریک به شیوه خود راه حلی برای مهار آن و نجات رژیم ارائه می دهند . با این وجود، برغم تلاش های هیئت حاکمه و استفاده از سیاستها و تاکتیک های مختلف، بحران تداوم یافته، پیوسته ژرف تر شده و ابعاد بازم وسیع

صفحه ۸

با انتشار فهرستی از سوی وزارت خارجه آمریکا که در آن نام شورای ملی مقاومت مجاهدین در ردیف سازمانهای "تروریستی" قرار داده شده است، دولت آمریکا گام مهم دیگری در راستای عادی سازی و تعمیق مناسبات خود با جمهوری اسلامی برداشت . کمی بیش از یک سال قبل ، نام سازمان مجاهدین در لیست تروریست ها و سازمان های تروریستی گنجانده شده بود و اکنون نام شورای ملی مقاومت که سهواً (۱) در این لیست از قلم افتاده بود، به آن اضافه شد. بعد از نشان دادن پاره ای نرمش ها نسبت به

تحریم های اقتصادی، واضح است که این اقدام امتیاز مهم دیگری است که آمریکا برای آنکه " حسن نیت " خود را در عمل به اثبات رسانده باشد، به جمهوری اسلامی داده است . واقعیت آن است که آمریکا خواستار مذاکرات رودررو پایان خیمه شب بازی و روابط پنهانی و با واسطه و برقراری مناسبات مستقیم رسمی و دولتی دو جانبه است. شرکت ها و انحصارات مالی آمریکائی نمی خواهند بیش از این صحنه اقتصادی ایران انحصاراً در چنگ رقیبان شان

صفحه ۳

پیچیدگی پرونده قتل های زنجیره ای در کجاست ؟

به یکسال از وقوع یکرشته ترورهای سیاسی میگذرد . ابتدا فرورها در خانه شان بدست جنایتکاران قطعه قطعه شدند، سپس محمد مختاری روده و پس از اعمال شکنجه های وحشیانه به قتل رسید قبل از آن مجید شریف ناپدید شده بود و روز ۴ آذر خانواده اش را برای شناسائی جسدش به پزشکی قانونی فراخواندند. جسد محمد مختاری تازه پیدا شده بود که محمد جعفر پوپنده را به شیوه مشابهی ربودند ، شکنجه کردند ، به قتل رساندند و جسدش را در بیابانها رها کردند. این ترورها موجی از خشم و نفرت عمومی را برانگیخت . حکومت اسلامی از ابتدا با زندان و شکنجه، و اعدام و سر به نیست کردن مخالفان

صفحه ۴

دادرسی نظامی تهران در اوائل آبان ماه امسال اطلاعاتی صادر کرد که طی آن از " مطبوعات و صاحب نظران " خواسته شده است از اظهار نظر در باره پرونده قتل های زنجیره ای ، نشر اطلاعات و درج تحلیل خودداری کنند و با " دادن اطلاعات، پخش شایعات انحرافی و نشر اکاذیب " در روند تحقیقات اختلال ایجاد نمایند . اطلاعاتی دادرسی نظامی تهدید کرده است که سر پیچی کنندگان از اجرای این فرمان بعنوان " مظنونین به همکاری و یا معاونت در توطئه مورد پیگرد " قرار خواهند گرفت . دادرسی نظامی بار دیگر تاکید نمود که مشغول تکمیل تحقیقات در زمینه این پرونده پیچیده و ملی " است.

این اطلاعاتی در شرایطی صادر شده است که نزدیک

در این شماره

- تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۴۱) صفحه ۵
- پاسخ به سؤالات صفحه ۱۶
- گفتگو با ((دیتا ساری)) از رهبران اتحادیه های کارگری اندونزی صفحه ۷
- گزیده ای از نامه های رسیده صفحه ۱۰
- اطلاعی و فراخوان اخبار کارگری جهان صفحات ۱۰ و ۱۱
- اخباری از ایران صفحه ۹

آکسیون های اعتراضی در خارج کشور علیه سفر خاتمی به فرانسه
صفحه ۱۴



بورژوازی فرانسه به سود خود از بازار ایران می اندیشد

برغم اعتراض وسیع و گسترده مخالفین جمهوری اسلامی و محافل و شخصیت های دموکرات و بشر دوست جهان به دعوت دولت فرانسه از محمد خاتمی رئیس جمهوری رژیم ضد انسانی و جنایتکار جمهوری اسلامی، دولت امپریالیست فرانسه، سیاست خود را عملی ساخت و امروز وی با تشریفات رسمی وارد فرانسه شد. این اقدام دولت فرانسه یک بار دیگر ادعای دروغین قدرتهای مرتجع و امپریالیست جهان را در مورد دفاع از حقوق بشر و مخالفت با پایمال شدن حقوق انسانی در کشورهای نظیر ایران، در انظار همگان برملا کرد. نمایندگان سیاسی سرمایه داران فرانسه امروز استقبال از آدمی را سازمان دادند که در رأس یکی از سرکوبگرترین رژیم های جهان قرار دارد. رژیم می که تا به امروز موجودیت خود را با اختناق، سرکوب و کشتار مردم ایران حفظ کرده است. رژیم می که در طول بیست سال حیات ننگین اش دهها هزار تن از مردم ایران را به جوخه اعدام سپرده است. هزاران تن را به بند کشیده و شکنجه کرده است. رژیم می که ابتدائی ترین حقوق مدنی و آزادی های سیاسی را از مردم سلب کرده است. رژیم می که زنان ایران را از حقوق انسانی خود محروم کرده است. رژیم می که کارگران و زحمتکشان ایران را به فقر و سیه روزی هولناکی سوق داده است. رژیم می که نویسندگان آزاداندیش را در روز روشن در خیابانها می ریاید و به قتل می رساند. رژیم می که به تمام معنا مظهر بربریت و وحشی گری است. رژیم می که افکار عمومی جهان با نفرت و انزجار به آن می نگرد. رژیم می که کارگران فرانسه به دفعات آنرا محکوم کرده اند اما این همه برای بورژوازی فرانسه فاقد ارزش است. مهم نیست که رژیم جمهوری اسلامی رژیم ضد انسانی و جنایتکار است، مهم نیست که جمهوری اسلامی برای دست زدن به جنایات خود حتی حاکمیت بورژوازی فرانسه را نقض می کند، مهم این است که از طریق گرم کردن مناسبات خود با جمهوری اسلامی چند میلیارد سود می تواند عاید خود سازد. برای سرمایه داران چیزی فراتر از سود و سرمایه نیست. سرمایه دار فرانسوی می خواهد سرمایه اش گردش کند، برای او مهم این است که سرمایه و کالای خود را صادر کند. مهم این است حجم مبادلات خود را افزایش دهد. مهم این است که در رقابت با سرمایه داران کشورهای دیگر سهم بیشتری از بازارهای ایران را به خود اختصاص دهد، و مهم این است که سودهای هنگفت چندین میلیارد فرانکی عاید خود سازد. مگر بورژوازی فرانسه بخاطر همین سودها، بخاطر همین بازارها، بخاطر همین صدور سرمایه و کالا، در جنگ های جهانی شرکت نکرد و در کشتار میلیونها انسان سهم نبود؟ مگر بورژوازی فرانسه میلیونها انسان را در مستعمرات به بند کشید و جنگهای کثیفی برای کشتار مردم مستعمرات براه نیانداخت؟ مگر بورژوازی فرانسه در طول تمام دوران موجودیتش دهها بار کارگران را سرکوب و کشتار کرده است؟ پس حالا هم که خیلی «متمدن» شده است و سنگ حقوق بشر و پایمال شدن حقوق انسانی را به سینه می زند، می تواند با خیالی راحت و آسوده با جنایتکاران حاکم بر ایران دست بدهد، قرارداد ببندد، سرمایه صادر کند، برای پیشی گرفتن بررقبای خود تلاش کند و از قبیل استثمار کارگران ایران میلیاردها فرانک در هر سال سود به جیب بزند. این خوی همه سرمایه داران است و سرمایه داران فرانسوی هم استثناء نیستند. بورژوازی فرانسه با دعوت از خاتمی هدف دیگری را نیز دنبال می کند. تمام قدرتهای امپریالیست جهان و از جمله امپریالیسم فرانسه در تلاش اند با تقویت خاتمی و حمایت از او، مانع شعله ور شدن انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی شوند. آنها بیم دارند که از دل انقلاب ایران، قدرت انقلابی کارگران و زحمتکشان سربرآورد که منافع همه مرتجعین راداریان و جهان بخطر اندازد. اما همانگونه که تاکنون تلاش قدرتهای امپریالیست جهان برای نجات جمهوری اسلامی از بحران با شکست روبرو شده است، اکنون نیز نتیجه ای عاید آنها نخواهد شد و دور نیست روزی که کارگران و زحمتکشان ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی بیاخیزند و قطعا آرزوی دیگر جانی برای سرمایه های انحصارات بین المللی و چپاول و غارت و استثمار مردم ایران وجود نخواهد داشت.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۳۷۸/۸/۵

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی

گروهی از فرانسویان نیز در اعتراض به دعوت دولت فرانسه از خاتمی و حضور وی در فرانسه، دست به اعتراض، تجمع و تظاهرات زدند. با این همه می بینیم که آیا جمهوری اسلامی به اهداف خود رسیده است و می تواند از طریق گسترش مناسبات بویژه در عرصه اقتصادی خود را از چنگال بحران های موجود، از جمله بحران اقتصادی نجات دهد. پاسخ روشن است، به گواه تاریخ تمام دوران زمامداری جمهوری اسلامی، این رژیم قادر نیست بر بحران اقتصادی غلبه کند، چرا که روپنای سیاسی موجود، دولت مذهبی یعنی جمهوری اسلامی مانعی بر سر راه آن است. غلبه بر این بحران بویژه امروز که رژیم با یک بحران سیاسی نیز روبروست به مراتب دشوارتر است. موقعیت داخلی و بین المللی رژیم نیز نه از طریق قدرت های امپریالیست بلکه از طریق مبارزات مردم تعیین خواهد شد. لذا زیر فشار این مبارزات تمام تلاش محمد خاتمی برای نجات رژیم نقش بر آب خواهد شد.

هواپیمای اریاس به ارزش ۴۸۰ میلیون دلار بسته شده است و کمپانی آلستوم نیز تعدادی موتور لکوموتیو به ارزش بیش از ۲۰۰ میلیون دلار به جمهوری اسلامی فروخته است. معلوم است که انحصارات فرانسوی باید از این گسترش مناسبات بسی خرسند باشند. یک بار وام می دهند و بهره آنرا می گیرند. کالاهای خود را با همین وامی که داده اند می فروشند و دو باره میلیونها دلار بجا میزنند. سهمی که از سرمایه گذاری و صدور سرمایه مولد بجا میزنند دیگر بی حساب و کتاب است. پس روشن است که دولت فرانسه وانحصارات این کشور می بایستی از آقایی خاتمی دعوت کنند، استقبال گرمی از او بعمل و مناسبات خود را با جمهوری اسلامی گسترش دهند.

اما افکار عمومی در فرانسه علیه حضور خاتمی در این کشور بود. آکسیونهای اعتراضی مخالفین جمهوری اسلامی برغم اقدامات محدود کننده و سرکوبگرانه پلیس فرانسو انکاس خوبی داشت و مورد حمایت اکثریت مردم قرار داشت. حتی

مناسبات جمهوری اسلامی و دولت فرانسه

نه تنها با انحصارات کشورهای دیگر اروپائی و نیز روسیه و ژاپن درگیر رقابتی شدید بر سر بازار ایران هستند، بلکه از آن بیم دارند که اگر دیر بچینند و مناسبات جمهوری اسلامی با آمریکا بهبود یابد، در آن صورت بازار ایران نیز همانند اغلب کشورهای منطقه عمدتا" به اشغال انحصارات آمریکائی در آید. از این رو حدوداً" همزمان با روی کار آمدن محمد خاتمی، دولت فرانسه کوشیده است که مناسبات خود را با جمهوری اسلامی گسترش دهد و انحصارات اقتصادی این کشور نیز در تلاش بوده اند قرار دادهای هر چه بیشتری با رژیم منعقد سازند و بر حجم صدور سرمایه و کالاهای خود به ایران بیافزایند. در این دوره، حجم کلانی از سرمایه فرانسوی به ایران صادر شده است که عمدتا" در رسته های نفت، گاز و پتروشیمی سرمایه گذاری شده است. بر طبق گزارش وزارت نفت حکومت اسلامی، انحصار نفتی توتال در اواسط سال ۷۵ با انعقاد یک قرارداد یک میلیارد دلاری، آغازه سرمایه گذاری و بهره برداری از میادین نفتی سیری نمود. یک سال بعد همین انحصار، به همراه دو شرکت روسی و مالزی، قراردادی به ارزش ۳/۵ میلیارد دلار برای سرمایه گذاری در میدان گازی پارس جنوبی، با رژیم جمهوری اسلامی منعقد نمود. در اواخر سال گذشته نیز قرارداد توسعه میدان نفتی دورود امضا شد که شرکت نفتی الف اکتین و اجیب ایتالیا در آن شرکت دارند. در صنعت پتروشیمی هم شرکتهای فرانسوی متجاوز از نیم میلیون دلار سرمایه گذاری کرده اند و هم اکنون نیز بانک فرانسوی سوسیته جنرال و بی _ ال _ پی در حال مذاکره برای دادن اعتبار بیشتر برای سرمایه گذاری در این رشته هستند. شرکت فرانسوی گس دو فرانس، سرمایه گذاری خود را در زمینه استخراج و صدور گاز متمرکز کرده است و بالاخره انحصارات خودروسازی فرانسه بخشی از بازار ایران را بخود اختصاص داده اند. حجم مبادلات بازرگانی دو کشور نیز که عمدتا" شامل صدور کالاهای فرانسوی است، بدون محاسبه نفت، در شش ماه نخست سال جاری به رقمی حدود ۲۲۰ میلیون دلار رسیده است. اما گویا نه انحصارات فرانسوی به این حجم از صدور سرمایه و کالا قانع هستند و نه جمهوری اسلامی. لذا محمد خاتمی در جریان سفر خود کوشید این مسئله را با سران انحصارات فرانسوی در میان بگذارد. اودرنشستی که با مدیران بزرگترین انحصارات فرانسوی از جمله توتال، آلستوم، پژو و سیتروئن، پاری با، آریان اسپیس داشت، از آنها دعوت نمود که بر حجم سرمایه گذاری های خود در ایران بیافزایند و از تسهیلات بیشتری برخوردار شوند. انحصارات فرانسوی استقبال کردند و عجاتا" برای آنکه حسن نیت خود را به نماینده حکومت اسلامی نشان دهند، بانکهای فرانسوی یک وام نزدیک به یک میلیارد دلاری را به جمهوری اسلامی اختصاص دادند. در جریان همین سفر معلوم شد که قرار دادهای جدیدی میان انحصارات فرانسوی و جمهوری اسلامی منعقد شده است. از جمله قراردادی برای خرید ۴ فروند

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

دست « شیطان بزرگ » را

وارثان خمینی چگونه خواهند فشرده ؟ !

زمینه محدود کردن فعالیت مجاهدین و شورای ملی مقاومت آنها و سخنان مارتین ایندیک که گفته بود " ایالات متحده آمریکا باردیگر ایران را به گفتگو براساس اصل برابری و احترام متقابل فرامیخواند " گفت " ما از ابتکارات جدید آمریکا استقبال می کنیم و آن را ابتکاری مثبت میدانیم ! " بهرحال این گونه موضعگیریها نه فقط حاکی از یک رشته تغییرات و اختلافات در درون این جناح است، بلکه درعین حال گواه آن است که درکل، مخالفت آنها در این زمینه نسبت به دوسال قبل بسیار رقیق شده و تعدیل یافته است.

توافق دولت های ایران و آمریکا

جمهوری اسلامی که با یک بحران عمیق اقتصادی و دشواریهای شدید مالی روبروست، نمیتواند بر " ابتکارات " طرف مقابل چشم فرو بندد ولو آنکه این طرف، " شیطان بزرگ " باشد. سران رژیم این موضوع را خوب می فهمند و در این دو سال اخیر نیز بخشا " تجربه کرده اند، که چند و چون مناسبات با آمریکا و یا مواضع و سیاستهای آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی، صرفا " در رابطه آمریکا و ایران خلاصه و محدود نمی شود، بلکه این مسئله تاثیرات بسیار مهمی بر سایر کشورها از جمله کشورهای اروپائی و کشورهای منطقه نیز برجای می گذارد، همانطور که تا کنون هم گذاشته است. از زمان روی کار آمدن خاتمی و بهبود نسبی مناسبات ایران و آمریکا، مناسبات جمهوری اسلامی با دول اروپائی نیز بیشتر و سریع تر بهبود یافته است و هم اکنون دست کم با آن کشمکش ها و تنش های گذشته همراه نیست. اگرچه بکلی فارغ از تنش و کشمکش هم نیست، اما نسبت به چند سال گذشته آشکارا تعدیل یافته است. هم اکنون برغم موضعگیری های گاه و بیگاه پارلمان اروپا علیه جمهوری اسلامی، اصلی ترین دولت های اروپائی مثل انگلیس، آلمان، ایتالیا، فرانسه، اتریش، هلند و امثال آن دست اندرکار ایجاد مناسبات گرم و "دوستانه " با جمهوری اسلامی اند و غالبا " این مناسبات را در عرصه های سیاسی و اقتصادی برقرار کرده اند. علاوه بر این از تنش های گذشته میان جمهوری اسلامی و عربستان سعودی، میان جمهوری اسلامی و امارات متحده عربی و سایر دول عربی نظیر مصر و اردن و غیره نیز به نحو چشمگیری کاهش یافته است. نزاع های لفظی جمهوری اسلامی با دول همسایه نظیر ترکیه، افغانستان و عراق نیز تا حد زیادی کاهش یافته است حتی اسرائیل هم از شدت حملات خویش به جمهوری اسلامی کاسته است و مدتهاست که به تبلیغات جانبدارانه ای به نفع جناح خاتمی روی آورده است. جمهوری اسلامی از نفوذ آمریکا بر دولت های منطقه و نقش موثر آن بر هم پیمانان اروپائی اش بی خبر نیست و این را می فهمد که بدون توافق ضمنی یا غیرضمنی آمریکا هیچیک و یا تقریبا " هیچیک از این تغییرات بدین نحو شدن نبود. اینها در واقع امریه نحوی پاداش تغییراتی بوده است که آرام آرام درسیاستهای جمهوری اسلامی حاصل شده است. اکنون دیگر از دعای " ضد امپریالیستی " رژیم که از روز اول هم ادعائی پوچ و میان تهی بیش نبود، نشانی باقی نمانده است. ادعای فوق که اساسا " از یک موضع ارتجاعی مطرح میشد، در واقع تاکتیکی بود برای حفظ حاکمیت رژیم. این تاکتیک اما اکنون دیگر کارائی خود را مطلقا " از دست داده است. در

حال که به جمهوری اسلامی می فهماند عدم پذیرش این پیشنهادات و سیاستها برایش میتواند مشکل آفرین باشد، در عوض مزایای پذیرش آن را از قبیل ایجاد تسهیلات برای اعطای وام های بین المللی، پایان قطعی و کامل تحریم های اقتصادی، گسترش همکاریهای اقتصادی و سرمایه گذاری و نظائر آن را نیز به جمهوری اسلامی یادآور میکند. در یک کلام آمریکا از سیاست چماق و نان قندی ولو نه به یک نسبت اما به موازات هم استفاده می کند. با این همه باید تصریح کرد که تهدیدات آمریکا، بیش از آنکه جدی باشد و یا بخواهد جنبه عملی بخود بگیرد، اساسا " برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی، تقویت موقعیت خاتمی و جناح وی در روند کشمکش های درونی رژیم است. بی دلیل نیست که این سیاست چماق و نان قندی، که وجه عملی شده آن همان نان قندی است، برغم آنکه بخشا " اختلافات داخلی رژیم رادمان زده است، مورد استقبال جناح خاتمی قرار گرفته است.

" ابتکار " آمریکا و

موضع جناح های حکومتی

به دنبال تروریستی خواندن شورای ملی مقاومت و ایجاد پاره ای محدودیت ها بر سر راه فعالیت آن، محافل و نشریات طرفدار جناح خاتمی از این اقدام دولت آمریکا به گرمی استقبال کردند و آن را فرصتی مناسب برای تجدید و تحکیم مناسبات با آمریکا دانستند. با توجه به سابقه و مواضع قبلی طرفداران خاتمی در دو سال اخیر، همین موضعگیری که آنان صریح تر و پر حرارت تر از گذشته دولت جمهوری اسلامی را به مذاکره مستقیم و برقراری مناسبات با آمریکا تشجیع کنند، قابل انتظار بود. اما جالب اینست که در عکس العمل های مخالفت آمیز جناح مقابل خاتمی در این مورد، تا آنجا که در این زمینه موضعگیری شد، چندان شور و حرارتی به چشم نمی خورد. این جناح اگر چه تهدیدات و پیش شرط های آمریکا، بعبارتی وجه چماق سیاست آمریکا را بزرگ کرد و افراد جناح خاتمی را که در نشریات خود به آمریکا " چراغ سبز " داده اند آدم های " مرعوب " و " مبارزین شرمند " نامید و حتی واکنش وزیر خارجه جمهوری اسلامی در برابر آمریکا که پاسخ تهدید را با تهدید نداده بود، " نامناسب " دانست، اما در نهایت، حداکثر خواستار " بی اعتنائی " به سیاستهای آمریکا و " زورگوئی " های آن شد. یک نمونه، موضعگیری جنتی در نماز جمعه تهران هفتم آبان بود. وی در سخنان خود هر چند از " مبارزه با آمریکا " بعنوان یکی از " اصول خدشه ناپذیر انقلاب " یاد کرد، معذرا " این " مبارزه " را این بار به " اصرار آمریکا برسیاستهای خصمانه " مشروط کرد! علاوه بر این اواضا فیه کرد که " اگر کشوری با ما دشمنی نکند، حاضریم با آن طرح دوستی بریزیم و براساس احترام متقابل با آنان ارتباط داشته باشیم! " نمونه دیگر موضع ناطق نوری از دیگر افراد سرشناس وابسته به این جناح است که از اینهم جالب تر است. ناطق نوری در گفتگو با روزنامه " الحیات " چاپ لندن، در

باشد و اینها همچنان ناظر از دست رفتن سودهای کلانی باشند که پیش از این از داشتن مناسبات و رابطه رسمی با ایران به جیب می زدند. از همین روست که از مدت ها قبل، چپ و راست از سوی مقامات آمریکائی برای سران رژیم نامه و پیغام فرستاده می شود و جمهوری اسلامی به مذاکره مستقیم و رودر رو دعوت می شود. هر چند که این دعوت ها و پیغام ها گویای " حسن نیت " آمریکا بود، اما طرفداران خواستار امتیاز بیشتر و گام عملی (۲) در این زمینه بودو بدیهی بود که آمریکا در پاسخ به این درخواستها و در اساس برای دست یابی مجدد به سودها و بازارهای از دست رفته، حاضر بود امتیازاتی نیز به جمهوری اسلامی اعطا کند.

اما همه سیاست آمریکا درقبال جمهوری اسلامی به این خلاصه نمی شود. دولت آمریکا بعلت نااطمینانی از وضعیت داخلی جمهوری اسلامی این امتیاز دادن ها و گذشت ها را با هشدار ها و تهدیدهای نیز همراه کرده است. آمریکا در همان حال که جمهوری اسلامی را به مذاکره مستقیم فرا می خواند، از زبان وزیر خارجه اش اولبرایت، دست برداشتن رژیم از مخالفتش با روند " صلح " خاورمیانه، حمایت از تروریسم، و تلاش برای دست یابی به سلاح های کشتار جمعی را پیش شرط های بهبود مناسبات آمریکا و ایران می داند، از مخالفت آمریکا با اعطای وام منابع مالی بین المللی به ایران سخن می گوید و خلاصه خواستار آن است که سیاستهای رسمی جمهوری اسلامی را بالاخص در زمینه های یاد شده با سیاستهای خود به انطباق کامل بکشاند. از همین روست که می بینیم همزمان با تبلیغ علیه سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت آنها، داستان سه سال پیش یعنی انفجار پایگاه هوائی آمریکا در ظهران عربستان سعودی و موضوع دخالت مقامات ایرانی در آن برغم آنکه " مقامات ایرانی " دخالت در آنرا انکار کرده اند! به میان کشیده می شود و به بهانه انجام تحقیقات در مورد این مسئله و کمک یا همکاری ایران در روند تحقیقات، دولت آمریکا می خواهد جمهوری اسلامی را به پای میز مذاکره مستقیم بکشاند. در این مورد جیمز روبین سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به سؤال یک خبرنگار در مورد نامه کلینتون به خاتمی میگوید، آمریکا سالهاست که از این گونه پیامها می فرستد، اما اکنون مسئله این است که اگر بخواهیم از مرحله بیانیه های بی حاصل و شعاری گذر کنیم، باید رودر روبرو گفتگو بنشینیم! در تعقیب همین سیاست است که آمریکا حتی تا تهدید جمهوری اسلامی با اقدامات نظامی هم پیش می رود. جمیز روبین ضمن ابراز ناراضیاتی از اینکه جمهوری اسلامی آمادگی خود را برای گفتگوی رسمی اعلام نکرده است و در پاسخ به این سؤال که اگر دست داشتن ایران در انفجار ظهران ثابت شود آیا آمریکا دست به عملیات نظامی میزند یا نه؟ می گوید " نمی خواهم آن چیزی را که هنگام کامل کردن تحقیقات خود انجام خواهیم داد پیش بینی کنم اما زمانی که تشخیص دهیم در تامین منافع مان ناگزیر از عملیات نظامی هستیم در کاربرد آن هیچ تردیدی نخواهیم کرد " خلاصه آنکه دولت آمریکا در همان

پیچیدگی پرونده

قتل های زنجیره ای در کجاست ؟

عجین بوده است. قتل‌های زنجیره‌ای سال گذشته، در تداوم ترور دهها نویسنده همانند احمد میر علائی، ابراهیم زال زاده و سایر مخالفان رژیم، توطئه سقوط اتوبوس حامل نویسندگان به دره، و ترور فعالان سیاسی در خارج کشور صورت گرفتند. اما این قتل‌ها، که با هدف مرعوب کردن جنبش روشنفکری و توده‌ای صورت می‌گرفت، نتیجه‌ای عکس آنچه رژیم انتظار داشت، به بار آورد. موجی از اعتراض و انزجار در ایران و خارج کشور به راه افتاد. رژیم چنان درمخمسه قرار گرفت که ناگزیر شد دردیماه سال گذشته اعلام کند این قتل‌ها توسط ماموران وزارت اطلاعات صورت گرفته است. هرچند که در همان اطلاعیه با نسبت دادن قتل‌ها به "همکاران مسئولیت شناس، کج اندیش و خودسر" وزارت اطلاعات که "آلت دست عوامل پنهان قرار گرفته و در جهت مطامع بیگانگان دست به این اعمال زده‌اند"، تلاش شد تا وزارت اطلاعات و بطورخاص وزیر اطلاعات را از زیر ضرب خارج سازند، اما نفس پذیرش این مسئله که ماموران ساواما دست‌اندر کار اینگونه قتل‌ها هستند، حکومت را اسیر چنان گردابی کرده است که طی یکسال گذشته، هرچه تلاش کرده به نحوی از آن خلاصی یابد، بیشتر به اعماق آن کشیده شده است.

از همان ابتدا، همه میدانستند که قتل‌ها به دستور و با اطلاع بالاترین مقامات حکومت طراحی، تصویب و اجرا می‌شود. در دادگاه میکونوس که به پرونده ترور قاسملو و همراهانش توسط آدمکشان جمهوری اسلامی رسیدگی کرد، نمودار تشکیلاتی شبکه‌ای از طراحان، تصمیم‌گیرندگان، فتوا دهنندگان و مجریان ترورهای سیاسی برملا شد. اثبات شد که قتل مخالفان در داخل و خارج ایران، در کمیته‌ای مرکب از مقامات رده اول حکومت طرح ریزی و بررسی میشده، به تصویب رهبر می‌رسیده و سپس برای اجرا به وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران و سایر دستگاه‌های ترور و سرکوب ارجاع می‌شده است. اما علیرغم روشن بودن این مسئله، وزارت اطلاعات از عناصر "خودسر" این وزارتخانه سخن میگفت که بدون اطلاع مسئولان بالاتر، و در روابط "محفلی" دست به این اعمال زده‌اند. کمیته تحقیق جناب رئیس جمهور هم همین ادعا را تأیید کرد. خاتمی در روزهای نخست پس از وقوع این جنایات وحشیانه، در نقش ناجی خانواده‌های قربانیان ترورها، به روال معمول وعده داد که تا شناسائی عوامل اصلی این "جنایات نفرت انگیز" از پای نخواهد نشست. کمیته تحقیق او نیز پس از صدور بیانیه وزارت اطلاعات، اعلام کرد "تصمیم‌گیری‌های افرادی که قتل‌ها را سازماندهی و اجرا کرده‌اند، بصورت محفلی بوده" و "هیچکدام از گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در این کار به هیچ عنوان دخالت نداشته‌اند".

کمی بعد، دادستان نظامی تهران از بازداشت ۱۰ تن در این رابطه خبر داد، و گفت بر مبنای تحقیقات انجام شده از این افراد روشن شده است که فتوا و احکام شرعی برای انجام این قتل‌ها صادر نشده است. اطلاعیه‌های بعدی، فاقد هرگونه اطلاعاتی در باره طراحان، تصمیم‌گیرندگان و مجریان ترورها بود و در آنها جایجا تأکید شده بود که رسیدگی به این پرونده به وقت زیادی

ناهمخوان و متضاد بوده است، اما این رژیم، رژیمی است ماهیتاً ارتجاعی و فاسد و فاسد کننده مغایرتی با سیاست‌های قدرت‌های امپریالیستی ندارد و امپریالیسم آمریکا نیز هیچگونه تضاد ماهوی با آن نداشته است. از همین جاست که برغم تبلیغاتی که برخی دول امپریالیستی پیرامون سرنگونی این رژیم بر اه انداخته بودند، اما هیچ‌گاه بطور واقعی خواهان این مسئله نبوده‌اند و بویژه از بیم روی کار آمدن یک رژیم انقلابی، هیچگاه جرات چنین اقدام و ریسکی را بخود ندادند. اما بعد از جریان شورشها و قیام‌های اخیر و تظاهرات اعتراضی و رادیکال دانشجویان و توده‌های معترض، بردول امپریالیستی مسلم شد چنانچه کار به مسئله سرنگونی رژیم کشیده شود، در جریان ارتقا جنبش رادیکال و انقلابی مردم معترض به یک انقلاب توده‌ای قهر آمیز، شیرازه کار نظام تماماً از هم خواهد گسست و اوضاع یکی از دست نه فقط جریان به اصطلاح اصلاح‌گرای حکومتی و "لیبرال"‌های حامی آن، و سایر طرفداران حفظ نظم موجود، خارج خواهد شد، چه بسا شعله‌های این حریق دامن همه حامیان خارجی این نظم را نیز خواهد گرفت و دست کم اینکه از این نمذ کلاهی برای آنها ساخته نخواهد شد. چنین است که می‌بینیم آمریکا و سایر دول امپریالیستی نیز وضعیت موجود را غنیمت شمرده، جدی‌تر از گذشته، با گذشت الوقت، وارد مناسبات با جمهوری اسلامی شده‌اند و یا به تعمیم و گسترش آن دست زده‌اند تا در چارچوب همین رژیم، به اهداف امپریالیستی و غارتگرانه خود جامه عمل بپوشانند. جریان واقعی قضایا تا این لحظه به نحوی است که فوقاً بدان اشاره شد. با اینهمه واقعیت دیگر این است که بحران سیاسی و تضادهای درونی رژیم نیز در حال تشدید شدن است. هیچ چشم اندازی بر پایان قطعی این تضادها که پژواک تضادی بزرگ‌تر و اساسی‌تر یعنی تضاد میان اکثریت عظیم توده‌های زحمتکش مردم و رژیم مذهبی حاکم میباشد، گشوده نیست. باید دید که بر بستر این تضادها، مذاکره مستقیم با آمریکا به چه شکل پیش خواهد رفت. باید دید داستان "شیطان بزرگ" و "شیخ" امام خمینی، بنیان‌گذار حکومت اسلامی تا چه حد از حافظه تاریخی گردانندگان حکومت اسلامی محو شده است! وارثان خمینی آیا همچنان به فشردن دستی که از سوی "شیطان بزرگ" بسوی آنها دراز شده است، درخفا اکتفا خواهند کرد، یا با دست دادن رسمی و علنی با "شیطان بزرگ"، با امام و پیشوای خویش که جملگی خود را بوی منتسب می‌کنند، برای همیشه وداع کرده، از حکومت اسلامی و "ارزش‌ها"ی آن به یکباره دست خواهند شست؟!

زیر نویس :

۱_ مارتین ایندیک معاون وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به این سؤال که چرا شورای ملی مقاومت قبلاً در این لیست ذکر نشده بود گفت: "دلیل آن اساساً یک اشتباه اداری بود، دولت ایران این اشتباه را به ما گوشزد کرد و ما بعد از بررسی آن را اصلاح کردیم"

۲_ سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در رابطه با سخنان مارتین ایندیک معاون وزیر خارجه آمریکا و دعوت ایران به مذاکره، خواسته بود که آمریکا برای اثبات "حسن نیت" خود "گام‌های عملی معنی‌داری" بردارد.

دست « شیطان بزرگ » را

وارثان خمینی چگونه خواهند فشرده ؟ !

بیستمین سالروز اشغال سفارت آمریکا در تهران، گرچه رهبر حکومت اسلامی بخاطر رهبر بودنش هم که شده، از "مبارزه با استکبار" دم میزند و معدودی را به جلو سفارت آمریکا می‌فرستد، اما این شعار را که به یک شوخی مسخره بیشتر شباهت دارد تا مسئله‌ای جدی، هیچ کس جدی نمی‌گیرد و علاوه بر این دست‌اندرکاران و مجریان اصلی اشغال سفارت آمریکا، به پیروی از سیاست‌های خاتمی، دیگر حتی زحمت رفتن به جلو سفارت آمریکا را هم به خود نمی‌دهند. اگر جمهوری اسلامی از سیاست تشدید تشنج در مناسباتش با آمریکا، روزگاری می‌توانست در تثبیت و تحکیم وضعیت داخلی خود سو استفاده کند، امروز اما سیاست پایان و یا کاهش هرچه بیشتر این تشنج است که بایستی همان نقش را ایفا کند. از همین جاست که جمهوری اسلامی سعی زیادی بکار برده است که حتی المقدور در سیاست‌های رسمی اش، اصطلاحاتی با سیاست‌های توسعه طلبانه دول امپریالیستی بویژه دولت آمریکا ایجاد نشود. موضوع به این هم خلاصه نمی‌شود، سران رژیم بارها اعلام کرده‌اند که طرف ایران هیچگاه خواهان قطع مناسبات با آمریکا نبوده بلکه این آمریکا بود که مناسبات خود را با جمهوری اسلامی قطع کرد. همین چند روز پیش خاتمی در یک کنفرانس مطبوعاتی در پاریس و در پاسخ به خبرنگار روزنامه "وال استریت ژورنال" نیز این موضوع را تکرار کرد. او گفت "ما هیچ منعی برای روابط اقتصادی با کشورهای مختلف از جمله آمریکا نداریم بلکه آمریکائی‌ها ایران را تحریم کرده‌اند" وی خاطر نشان ساخت که این شرکت‌های آمریکائی هستند که از این مسئله متضرر میشوند و البته آنها را از زیان بیشتر برحذر داشت. خلاصه آنکه دولت ایران خواهان ایجاد تشنج و یا تشدید آن در رابطه‌اش با آمریکا نیست، بالعکس خواهان بحث و گفتگو و رفع کدورت‌ها و برقراری مناسبات رسمی است.

دولت آمریکا نیز ولو آنکه برخی از سناتورهایش به اولبرایت نامه می‌نویسند و از نرمش در برابر جمهوری اسلامی و تنگی نسبت به مجاهدین و شورای ملی مقاومت گله و انتقاد میکنند و این نشان‌میدهد که انحصارات مالی آمریکا نمی‌خواهند همه تخم مرغ‌ها را در یک سبد قرار دهند - هیچ‌گونه تضاد و یا خصومت ماهوی با جمهوری اسلامی نداشته‌است و ندارد. آمریکا نیز در تعقیب منافع خویش و به رغم تمامی محدودیت‌ها و تهدیدها، در عمل سیاست عادی سازی را پیش برده است سه سال پیش و بعد از انفجار پایگاه نظامی آمریکا در عربستان سعودی، با وجود آنکه اقدامات آمریکا علیه جمهوری اسلامی از تحریم‌های اقتصادی ایران فراتر رفت و آشکارا به تهدیدات نظامی ارتقا یافت، اما سیاستی که در عمل پیش رفته است خصوصاً در دو سال اخیر، سیاستی است که انحصارات مالی آمریکائی دیکته کرده‌اند، سیاستی است که مبتنی بر رفع موانع موجود میان دو دولت، ایجاد و گسترش مناسبات دوجانبه است. بنابراین دولتهای ایران و آمریکا، در این زمینه با هم توافق دارند. واقعیت آن است که رژیم جمهوری اسلامی، برغم آنکه یک حکومت شدیداً مذهبی و پان اسلامیستی است و برغم آنکه سیاست‌های پان اسلامیستی‌اش گاه با سیاست‌های دول امپریالیستی

تاریخ مختصر جنبش بین‌المللی کارگری (۴۱)

پرولتاریای روسیه به سوی کسب قدرت سیاسی

قدرت دوگانه

انقلاب فوریه، وضعیت ویژه و منحصر به فردی را در روسیه ایجاد کرده بود. طبقه کارگر که نقش اصلی رادرسرنگونی تزاریسیم برعهده داشت اجازه داد که درکنار قدرتی که خود ایجاد کرده بود، یعنی قدرت شورائی، یک قدرت بورژوائی نیز در شکل حکومت موقت دوما شکل بگیرد. علت این امر نیز همانا کافی نبودن سطح آگاهی و تشکل کارگران و دهقانان و نیز موج وسیع خرده بورژوائی بود که در جریان انقلاب جامعه را فرا گرفته و تاثیر خود را بر ابرقشار نا آگاه تر کارگران برجالی گذاشته بود. همین امر باعث شد که احزاب منشویک و اس ار، اکثریت را در شوراها به دست آورند و خود را در اس قرار دهند. این رهبری سازشکار و رفرمیست، واسطه سازش شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد با حکومت موقت دولتی شد. بدین طریق بود که شورائی نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد به عنوان اتوریته انقلاب و در حقیقت رهبر شوراهای سراسر روسیه، داوطلبانه قدرت دولتی را به بورژوازی واگذار کرد و نقش خود را به نظارت و کنترل بر "حکومت موقت" محدود نمود. با این وجود، شورائی نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد که از حمایت اکثریت قاطع کارگران، سربازان و دهقانان برخوردار بود، همچنان به عنوان یک قدرت موازی عمل میکرد. این وضعیت خود ویژه که در آن دو قدرت هم زمان در یک کشور وجود داشتند، وضعیتی ناپایدار بود که نمیتوانست مدتی طولانی دوام آورد. سرانجام یکی از این دو قدرت می بایستی بر دیگری پیروز شود. لنین در تحلیل این وضعیت ویژه چنین نوشت:

" خصوصیت دیگر بینهایت مهم انقلاب روس عبارت از این است که شورائی نمایندگان سربازان و کارگران پتروگراد که چنانکه از اوضاع برمی آید از اعتماد اکثریت شوراهای محلی برخوردار است، قدرت دولتی را داوطلبانه به دست بورژوازی و حکومت موقتی وی میدهد، داوطلبانه حق اولویت را بوی واگذار می نماید و در باره پشتیبانی از وی با او قرارداد سازش منعقد میکند و نقش خود را به نظارت و کنترل در امر فراخواندن مجلس موسسان (که حکومت موقت تا کنون حتی موعدان را هم اعلام نموده است) محدود می نماید.

این کیفیت فوق العاده خود ویژه ای که با این شکل نظیرش در تاریخ دیده نشده، موجب درهم آمیختن و اختلاط دو دیکتاتوری شده است: دیکتاتوری بورژوائی... و دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان (شورائی نمایندگان کارگران و دهقانان)

جای کوچکترین شکی نیست که این "درهم آمیختگی" نمی تواند مدت مدیدی دوام یابد. وجود دو قدرت در یک کشور امکان پذیر نیست. یکی از آنها باید نابود شود و تمام بورژوازی روسیه اکنون با تمام قوا و با تمام وسائل در همه جا فعالیت میکند تا شوراهای نمایندگان سربازان و کارگران را برکنار سازد، ضعیف کند، به صفر برساند و قدرت یکتائی از بورژوازی بوجود آورد." (۱۱)

حکومت بورژوائی، از همان فردای انقلاب، تلاش وسیعی را برای مهار شوراهای، خلع سلاح کارگران، برقراری انضباط پیشین در پادگان ها، سازمان داد. اما در چند ماه نخست پس از انقلاب هنوز در وضعیتی نبود که بتواند مقاصد خود را کاملاً عملی سازد. لذا در این دوره که همراه با بسط و توسعه مبارزه طبقاتی و ایستادگی و مقاومت کارگران در برابر تعرضات ضدانقلابی بورژوازی است، حادثترین کشمکش انقلاب و ضد انقلاب در جریان است. توده های کارگر، ابتکار عمل را در دست داشتند. برغم تمایل حکومت موقت، شوراهای به سرعت در سراسر روسیه در حال گسترش بودند. (درمارس ۱۹۱۷، ۵۱۳ شورائی نمایندگان کارگران و سربازان در ۳۹۳ شهر و دیگر نقاط در سراسر روسیه شکل گرفته بودند. " و همچنان تعداد آنها در حال افزایش بود. در برخی از مناطق و شهرها که بلشویک ها رهبری شوراهای را در دست داشتند و یا از قدرت قابل ملاحظه ای برخوردار بودند، شوراهات آنها اتوریته محسوب می شدند و ارگانهای حکومت موقت نقشی نداشتند. همزمان با رشد و گسترش شوراهای کارگران و شوراهای و کمیته های سربازان و ناویان، شوراهای دهقانی نیز تدریجاً رشد کردند و به اقصاد نقاط روسیه گسترش یافتند. تا تابستان ۱۹۱۷، تعداد شوراهای دهقانی در روسیه به حدود ۴۰۰ رسید. (۱۲) در ماه مه نخستین کنگره نمایندگان دهقانان سراسر روسیه تشکیل شد. ۱۱۱۵ نماینده از مناطق مختلف و واحدهای ارتش در این کنگره شرکت داشتند. منشویک ها واس ارها در این کنگره از اکثریت قابل ملاحظه ای برخوردار بودند و در واقع به علت نفوذی که اس ارها در میان دهقانان داشتند، تصمیمات این کنگره منطبق بر

مواضع و سیاست های آنها بود. کنگره دهقانان، سیاستهای حکومت موقت بورژوائی را تأیید و بر ادامه جنگ تأکید نمود. کنگره پیشنهاد بلشویکها را در مورد واگذاری فوری زمین به دهقانان نیز رد نمود و آنرا موکول به تشکیل مجلس موسسان نمود. بلشویکها برغم این که اقلیت بسیار کوچکی را تشکیل میدادند، فعالانه در مباحث کنگره شرکت داشتند. سیاست حکومت موقت را افشال نمودند و خواهان واگذاری فوری زمین به دهقانان شدند. لنین که در این کنگره حضور یافته بود، سیاست ارضی بلشویک ها را برای نمایندگان دهقانان تشریح نمود. حضور فعال بلشویک ها در این کنگره تأثیر مهمی بر جهت گیری بعدی دهقانان زحمتکش بسوی حزب بلشویک و سیاستهای آن برجالی گذاشت. چند روز بعد از کنگره دهقانان، در ۳ ژوئن نخستین کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان در پتروگراد تشکیل گردید. کنگره تا ۲۴ ژوئن ادامه داشت، دستور کار کنگره روش برخورد به حکومت موقت، مسئله جنگ و تدارک مجلس موسسان بود. از ۱۰۹۰ نماینده ای که در کنگره حضور یافتند بیش از دوسوم نمایندگان منشویک و اس ار بودند و یا از آنها حمایت می کردند. بلشویک ها در این کنگره ۱۰۵ نماینده داشتند. لنین که در این کنگره نیز حضور یافته بود، در سخنرانی خود به تشریح قدرت دوگانه در روسیه پرداخت، خواهان انتقال تمام قدرت به شوراهای، یک کنترل کارگری همه جانبه بر تولید و توزیع، صلح بدون الحاق و غرامت شد. کنگره که اکثریت آن وابسته به احزاب منشویک واس ار بودند، پیشنهادات بلشویکها را رد کرد و بالعکس قطعنامه ای تصویب نمود که از ائتلاف با بورژوازی و سیاست های حکومت ائتلافی و ادامه جنگ دفاع نمود.

کنگره با انتخاب یک کمیته اجرائی جدید به کار خود پایان داد. در این کمیته اجرائی ۱۰۷ منشویک، ۱۰۱ اس ار و ۳۵ بلشویک حضور داشتند. (۱۴) در مورد حکومت ائتلافی موقت که کنگره سراسری از آن دفاع نمود، لازم است توضیح داده شود که این حکومت در پی رشد ناراضیاتی کارگران و سربازان از حکومت موقت دوما و عدم تحقق وعده های داده شده در مورد صلح، نان، زمین و برگزاری مجلس موسسان که به بحران آوریل انجامید، تشکیل شده بود. در ۱۸ آوریل، میلیوفک وزیر خارجه حکومت موقت دوما طی یادداشتی به دولت های فرانسه و بریتانیا اطمینان داد که، روسیه به قرار دادهای تزاری وفادار خواهد ماند و تا پیروزی نهائی به جنگ ادامه خواهد داد. هدف بورژوازی بویژه این بود که با ادامه جنگ و دامن زدن به روحیات ناسیونالیستی و دفاع طلبی که احزاب منشویک و اس ار به آن دامن میزدند، توده های کارگرو زحمتکش را از مبارزه انقلابی منحرف سازد و تدریجاً به قدرت دوگانه پایان بخشد. با انتشار خبر یاد داشت میلیوفک، ناراضیاتی و اعتراض بخش هایی از کارگران و سربازان فوران کرد. روز ۲۰ آوریل سربازان پادگان پتروگراد دست به تظاهرات مسلحانه در خیابان ها زدند و با شعار مرگ بر میلیوفک، مرگ بر جنگ، تمام قدرت به شوراهای به سوی مقرر حکومت موقت به حرکت درآمدند. گروه کثیری از کارگران پتروگراد نیز به سربازان پیوستند. روز ۲۱ آوریل نیز به دعوت حزب بلشویک، حدود صد هزار کارگر و سرباز در خیابانهای پتروگراد دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات به مسکو و برخی شهرهای دیگر نیز کشید. موج گسترده تظاهرات، حکومت موقت را با اولین بحران جدی روبرو ساخت. بورژوازی که خود را در مخمصه گرفتار دید، برای نجات از بحران و فریب کارگران و سربازان به مانور جدیدی دست زد. میلیوفک و گوچکف وزرای خارجه و جنگ برکنار شدند و مذاکره با کمیته اجرائی شورائی پتروگراد را برای تشکیل یک حکومت ائتلافی آغاز نمود. روز ۵ مه میان حکومت موقت بورژوائی و کمیته اجرائی شورائی پتروگراد در مورد تشکیل یک کابینه ائتلافی توافق حاصل شد. ۶ تن از سران احزاب منشویک و اس ار به عضویت حکومت ائتلافی درآمدند. حکومت ائتلافی نیز کار دیگری جز ادامه سیاست حکومت موقت دولتی نکرد. مصوبه کنگره نمایندگان شوراهای کارگران و سربازان در مورد دفاع از حکومت ائتلافی و سیاستهای آن، با روحیات و خواسته های توده های کارگر هماهنگی نداشت لذا بلشویک ها برای نشان دادن این واقعیت که مصوبه کنگره شوراهای مورد اعتراض توده های کارگر قرار دارد، فراخوان تظاهرات را برای ۱۰ ژوئن حول شعارهای " تمام قدرت به شوراهای" " کنترل کارگری بر تولید" و غیره صادر کردند. اما کنگره شوراهای تظاهرات را ممنوع اعلام کرد. هیئت رئیسه کنگره که دریافته

بود، توده های کارگر به چنان درجه ای از وضع موجود ناراضی اند که هرآن امکان تظاهرات وجود دارد، کوشید خود ابتکار عمل را به دست بگیرد و ۱۸ ژوئن را برای تظاهرات عمومی تعیین نمود. موضعگیری در قبال این تصمیمات فوق العاده حساس بود. بلشویک ها که در کنفرانس هفتم خود در آوریل، انقلاب سوسیالیستی را به عنوان وظیفه فوری پرولتاریا در دستور کار قرار داده بودند، با تمام قوا در تلاش بودند که احزاب منشویک و اس از را که تکیه گاه بورژوازی در جنبش کارگری بودند، افشل و منفرد سازند. بدون برانداختن نفوذ این احزاب در جنبش کارگری و بدون منفرد کردن آنها سرنگونی بورژوازی ممکن نبود. لذا برای سرنگونی بورژوازی می بایستی جهت اصلی ضربه متوجه رفرمیستها باشد. بلشویک ها این سیاست را پیگیرانه پیش می بردند. سیاست های ضد انقلابی حکومت ائتلافی و حمایت احزاب رفرمیست از این سیاستها به نحو روز افزونی به افشل و انفراد احزاب منشویک و اس از در میان کارگران انجامیده بود. تصمیمات کنگره سراسری شوراها در حمایت از سیاستهای دولت ائتلافی و ادامه جنگ که در حقیقت تصمیم منشویکها و اس ازها محسوب می شد، موقعیت مناسبی برای بسیج توده های کارگر علیه این سیاست ها بود. معهدا بلشویک ها که فراخوان ژوئن را داده بودند، برای این که به رودروئی با شوراها کشیده نشوند و به قول لنین نمی خواستند در این لحظه " کارگران را علیه نیروهای متحد کادتها، اس ازها و منشویک ها به نبردی مایوسانه بکشاند" تظاهرات خود را لغو کردند، اما تصمیم گرفتند که فعلا به شعارهای خود در تظاهرات ۱۸ ژوئن شرکت کنند و ابتکار عمل را به دست بگیرند. همین طور هم شد. در این تظاهرات که حدود نیم میلیون نفر در آن شرکت کرده بودند، توده کارگر بیشتر متمایل به بلشویسم و سیاستهای بلشویکی بود. در این تظاهرات عمدتاً " شعارهای بلشویکی از جمله شعار تمام قدرت به شوراها مطرح گردید. تظاهرات ۱۸ ژوئن بوضوح چرخشی به سوی سیاستهای حزب بلشویک بود و نشان میداد که توده های کارگر سیاستهای رفرمیستی احزاب منشویک و اس از را طرد میکنند و برای بدست گرفتن قدرت آماده می شوند. این افشل روز افزون احزاب رفرمیست و تمایل کارگران به مواضع حزب بلشویک و انقلاب سوسیالیستی، بهتر از هر جای دیگر در کمیته های کارخانه خود را نشان میداد که ارگانهای اقتدار توده های کارگر در سطح کارخانه هابودند.

جنبش کمیته های کارخانه و کنترل تولید

با سرنگونی تزاریسیم، کارگران بدون این که به انتظار دستوراتی از بالا بنشینند، با ابتکار عمل خود دست به کار برچیدن و جاروب کردن مقررات ارتجاعی و سرکوبگرانه از کارخانه ها شدند. کارگران کوشیدند تا بجای نظم ارتجاعی - بوروکراتیک و سرکوبگرانه حاکم بر کارخانه ها، نظامی انقلابی - دمکراتیک را مستقر سازند. لذا مقرراتی که برای سرکوب و به بند کشیدن کارگران وضع شده بود، عملاً ملغی گردید. کارگران همچنین عوامل و دست نشاندهان رژیم تزاری را که نظامی پلیسی بر کارخانه ها حاکم کرده بودند، به محاکمه کشیدند و اخراج کردند. تعدادی از مدیران، پرسنل اداری و حتی سرکارگرانی که در دوران تزاریسیم عامل سرکوب بودند، اخراج شدند. برخی از عوامل استبداد از جمله باند های سیاه که مرتکب جنایات سنگینی شده بودند، مجازات شدند. شدید ترین مجازات در مورد مدیر مجتمع پوتیلوف و معاون او اعمال شد که به اعدام محکوم شدند. گروهی از مدیران و سرمایه داران نیز از ترس مجازات فرار کردند.

کارگران برای پیشبرد وظائفی که در پی انقلاب، در سطح کارخانه ها در برابر آنها قرار گرفته بود، با ابتکار و خلاقیت انقلابی خود دست به کار ایجاد کمیته های در هر کارخانه شدند. این کمیته ها که نقش بسیار مهمی در جنبش کارگری روسیه ایفا نمودند، در واقع از دل کمیته های اعتصاب و در نتیجه تحول آنها پدید آمدند که منطبق بر نیازهای جدید جنبش کارگری، وظائف نوینی را بر عهده گرفتند. کمیته های کارخانه بلا درنگ پس از انقلاب، در اوائل مارس آغاز به پیدایش نمودند. در ماه مارس نخست تعداد زیادی کمیته های کارخانه در موسسات دولتی شکل گرفتند. در مدتی کوتاه موج ایجاد کمیته های کارخانه گسترش یافت و عموم کارخانه های بزرگ و اغلب کارخانه های متوسط، کمیته های کارخانه را ایجاد نمودند. کمیته های کارخانه که نزدیک ترین ارتباط را با توده های کارگر داشتند و منتخب تمام کارگران کارخانه بودند از حمایت و پشتیبانی عمومی کارگران برخوردار بودند.

در ابتدای شکل گیری کمیته های کارخانه، ضابطه معینی در مورد تعداد اعضا آنها وجود نداشت. گاه تعداد اعضا کمیته به ۸۰ تا ۱۰۰ نفر میرسید. کنفرانس آوریل نمایندگان کارگران و موسسات دولتی توصیه کرد که

تعداد اعضا کمیته ها در کارخانه هایی که ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ کارگر دارند، ۱۱ تا ۱۳ نفر و در کارخانه هایی که ۶۰۰۰ - ۳۰۰۰ کارگر مشغول به کارند، ۱۳ تا ۱۵ نفر باشد. دومین کنفرانس کمیته های کارخانه، همین نرم ها را تصویب کرد. معهدا ضابطه واحدی برقرار نشد و گاه تعداد اعضا کمیته های کارخانه در موسسات بزرگ تا ۴۰ نفر می رسید. در مجتمع آبخوف، ۱۲۹۰۰ کارگر یک کمیته ۱۲ نفره داشتند. مجتمع پوتیلوف با حدود ۲۰۰۰۰ کارگر یک کمیته ۲۱ نفره داشت و حال آنکه در کشتی سازی نیروی دریائی با ۸۰۰ کارگر تعداد اعضا کمیته کارخانه ۲۴ نفر بود. (۱۵) کمیته های کارخانه می بایستی لااقل هر ماه یکبار گزارش کار خود را به اجلاس عمومی کارگران ارائه دهد.

مجمع عمومی که هر پانزده روز یا یک ماه یکبار به دعوت کمیته کارخانه و یا یک سوم اعضا فراخوانده میشد و لااقل می بایستی یک سوم کارگران در آن حضور داشته باشند، تصمیم گیرنده اصلی بود. مجمع عمومی در مورد مسائل مهمی که بر کل موسسه تاثیر می گذاشت تصمیم می گرفت و قطعنامه هایی در مورد مسائل سیاسی مبرم صادر میکرد. (۱۶) در آغاز که کمیته های کارخانه شکل گرفتند، هنوز حیطه عمل و وظائف آنها دقیقاً روشن نبود. در موسسات متوسط و بالنسبه کوچک، برخی کمیته ها وظائف خود را به برقراری ۸ ساعت کار، افزایش دستمزد، مراقبت از شرایط کار و امثالهم محدود میکردند. در برخی از موسسات بزرگ بالعکس، کمیته تا برعهده گرفتن مدیریت کارخانه پیش میرفت. بویژه در تعدادی از موسسات دولتی که مدیران آنها فرار کرده بودند، کارگران وظیفه مدیریت را بر عهده می گرفتند و آن را از طریق کمیته کارخانه یا کمیته اجرایی متشکل از کارگران، تکنیسین ها و مهندسیین، اعمال میکردند. اما در کل چنین مواردی محدود بود و عموماً عملکرد ها در چارچوب یک کنترل کارگری بر تولید محدود بود. در نخستین مراحل شکل گیری کمیته های کارخانه، بحث گسترده ای در میان کارگران در مورد وظائف، حیطه عمل و مرزهای کنترل کارگری در جریان بود. کمیته های کارخانه که با وظائف عملی کنترل در گیر بودند، در تلاش بودند تا از طریق مجمع عمومی و ارتباط و تبادل نظر با کمیته های کارخانه در موسسات دیگر، مرزهای کنترل را روشن کنند. به عنوان نمونه در اجلاس مشترک کمیته های کارخانه تحت پوشش مدیریت توپ سازی که ۱۳ مارس تشکیل گردید و دستور کار آن تنظیم مطالبات کارگران، هماهنگی فعالیت کمیته های کارخانه و وظائف آنها بود، بحث مفصلی بر سر وظائف کمیته های کارخانه صورت گرفت. در جریان بحث " نماینده ای از مجتمع کارتریژ خواهان مدیریت کارگری در وسیع ترین مقیاس ممکن گردید." اما اکثریت نمایندگان اجلاس با این پیشنهاد مخالفت کردند و دلایل رد آنرا ارائه دادند. این اجلاس در قطعنامه خود خاطر نشان ساخت: " تا زمانی که سوسیالیزه شدن کامل اقتصاد ملی، هم دولتی و هم خصوصی صورت نگرفته است، کارگران مسئولیت سازماندهی تکنیکی و اداری - اقتصادی تولید را نمی پذیرند و از شرکت در سازماندهی تولید خودداری خواهند کرد. (۱۷) همین بحث در چندین اجلاس کمیته های کارخانه موسسات وابسته به نیروی دریائی، صورت گرفت. در ۱۵ آوریل کنفرانس مشترک کمیته های کارخانه تحت پوشش نیروی دریائی و توپخانه نیز همین موضع را تأیید نمود. این کنفرانس البته کوشید تا با تنظیم یک طرح اساسنامه برای کمیته ها، وظائف آنها را دقیق تر توضیح دهد. بر طبق این طرح، کمیته ها از قدرت کنترل بر مدیریت برخوردار بودند. آنها مجاز بودند به منظور کسب اطلاعات لازم، نمایندگانی در تمام ارگان های اداری داشته باشند. طرح اساسنامه می گفت که کمیته ها باید به تمام اسناد اداری و صورت حساب ها دسترسی داشته باشند. مسئولیت کامل نظم درونی کارخانه، دستمزد، ساعات کار، استخدام و اخراج نیز به کمیته ها محول شده بود. (۱۸)

در عمل نیز کمیته های کارخانه، فعالیت مدیریت را کنترل میکردند. آنها تمام اسناد اداری، صورت حسابها و دفاتر، عملیات مالی، مواد خام و سوخت، هزینه های تولید و میزان سود، انتقال کالاها و ماشین آلات از کارخانه به بیرون را تحت کنترل داشتند. تلاش سرمایه داران برای ایجاد هرج و مرج در اقتصاد و بستن کارخانه ها را خنثی می کردند. استخدام و اخراج کارگران، تعیین دستمزدها، محافظت از موسسه نیز در حیطه صلاحیت کمیته ها بود.

کمیته های کارخانه به منظور پیشبرد وظائف خود، کمیسیون های مختلفی سازمان دادند که تعداد زیادی از کارگران کارخانه در این کمیسیون ها فعال بودند. مهمترین این کمیسیونها، کمیسیون تکنیکی - اقتصادی، کمیسیون استخدام و اخراج، کمیسیون میلشیا، کمیسیون نظم داخلی، کمیسیون آموزش و فرهنگ، کمیسیون خوار و بار و کمیسیون منازعات بودند. در مجتمع پوتیلوف ۴۰۰ کارگر در کمیسیونهای مختلف کارخانه مشغول فعالیت بودند. (۱۹) با گسترش و بسط حیطه

گفتگو با « دیتا ساری »

از رهبران

اتحادیه های کارگری اندونزی



اخیرا "دیتا ساری" یکی از رهبران اتحادیه های کارگری اندونزی پس از سه سال اسارت، از زندان آزاد و به دعوت تعدادی از اتحادیه های کارگری جهان، به استرالیا و چند کشور اروپایی از جمله انگلستان و هلند سفر کرد. در انگلیس در اجلاس کنفدراسیون اتحادیه های کارگری شرکت کرد و کارگران را به همبستگی با مبارزات کارگران اندونزی دعوت نمود. در هلند، علاوه بر دیدار و گفتگو با کنفدراسیون اتحادیه های کارگری در جمع اندونزی یائی های تبعیدی و نیروهای چپ هلند حضور یافت. مطلب زیر چکیده گفتگویی است که فعالین سازمان ما در هلند با "دیتا ساری" به عمل آورده اند و به منظور آشنائی و اطلاع از اوضاع سیاسی - اجتماعی اندونزی درج می گردد. لذا الزاما" به معنای تأیید نظرات مطروحه نیست.

دیتا ساری از نوجوانی به فعالیت سیاسی جلب شد. در هنگام تحصیل در دانشگاه، در مبارزات دانشجویی فعال بود. بتدریج به فعالیت در میان زنان کارگر پرداخت و در سازماندهی اعتراضات و اعتصابات کارگری شرکت نمود. همچنین از طریق تبعیدیان اندونزی یائی در هلند، ارتباطات سیستماتیک با اتحادیه های کارگری در این کشور برقرار نمود. "دیتاساری" بیست و سه ساله بود که در جریان اعتصابات کارگری سال ۹۶ دستگیر شد. طی این اعتصاب قریب به ۲۰۰۰ کارگر دست از کار کشیده بودند و دولت وقت اندونزی این اعتصاب را "غیر قانونی" اعلام کرده بود. متعاقب دستگیری وی، تلاش گسترده ای در سطح بین المللی در دفاع از آزادی وی و همزمانش برپا شد. پس از برکناری سوهارتو، برغم این که برخی از زندانیان سیاسی آزاد شدند، دیتا ساری و همزمانش همچنان در اسارت بودند. سازمان عفو بین الملل، اتحادیه های کارگری و احزاب و سازمان های سیاسی نیز کارزارهای متعددی در دفاع از آزادی آنها برپا کردند تا اینکه سرانجام، در ژوئیه سال جاری آزاد شدند.

اوضاع سیاسی - اقتصادی در اندونزی

دیتا ساری: طی سالهای اخیر و پس از برکناری سوهارتو، اوضاع اقتصادی کماکان اسفناک است و روند وخامت اوضاع روز به روز شدت می یابد. سیاستهای اقتصادی صندوق بین المللی پول، حذف سوبسید از کالاهای اساسی قدرت خرید کارگران و زحمتکشان را به حد اقل رسانده و هم اکنون بیش از ۸۰ درصد مردم زیر خط فقر بسر میبرند و چشم اندازی بر بهبود اوضاع نیز متصور نیست. روند بیکاری با سرعت غیر قابل تصویری تداوم می یابد. از مجموع ۸۰ میلیون

جمعیت فعال کشور، ۳۰ میلیون بیکارند. به لحاظ سیاسی، طی سالهای اخیر - بویژه از سال گذشته تا کنون که سوهارتو مجبور به کناره گیری شد - اوضاع تغییر یافته است. بدین معنا که خشم و کینه و اعتراض بالقوه توده های مردم بالفعل شده است. هر روزدها اعتصاب و اعتراض در اقصی نقاط اندونزی برپا می گردد. کارگران و دانشجویان همواره در صحنه اند. حساسیت نسبت به اوضاع سیاسی شدت یافته است. در مقابل هر قانون و یا طرحی جدید، کارگران و زحمتکشان به میدان می آیند. هم اکنون دهها اعتصاب و اعتراض در جریان است. اما رویدادهای جاری در تیمور شرقی جذابیت بیشتری برای رسانه های گروهی جهانی دارد تا این یا آن اعتصاب کارگری در اندونزی. واقعیت این است که اوضاع فعلی در تیمور شرقی که با خشونت و سببیت ادامه دارد، آئینه تمام نمای وضعیت سیاسی - اقتصادی در اندونزی است. طی سه سال گذشته در اندونزی همان گذشته که، امروز جهانیان در تیمور شرقی شاهدند، واقع برپائی رفتارند در مورد تعیین سرنوشت در تیمور شرقی ترفند رئیس جمهور فعلی - حبیبی - بود تا بدین وسیله توجه به اوضاع نابسامان در اندونزی را تحت الشعاع قرار دهد. ناگفته نماند که او در محاسبات خود خطا کرد. بطور مثال اوتقش نیروهای مسلح اراذل و اوباش را دست کم گرفت و نتیجتا" به درگیری ها و کشمکشهای جاری انجامید و دولت را از بحرانی به بحرانی دیگر سوق داد. خلاصه مطلب این که اوضاع اقتصادی وخیم و اوضاع سیاسی بسیار حساس است.

جنبش کارگری

دیتاساری: جنبش کارگری اندونزی پس از سی سال، فرصتی و مجالی برای آگاهی و سازمان دهی یافته است. ارتقا" این جنبش به عوامل و فاکتورهای متعددی مشروط است که مهمترین آنها رادیکالیسم، پیگیری و پیوند مبارزاتی با سایر اقشار زحمتکش بویژه دهقانان است. در حال حاضر اتحادیه های گوناگونی به فعالیت در میان کارگران مشغولند: جریانات لیبرال، اسلامی و جریانات چپ. طبق آمارهای موجود ۲۰ درصد انزیروی شاغل اندونزی از کلیه رشته های تولیدی در اتحادیه ها اتحادیهها متشکل اند. بیشترین اعضا" اتحادیه های کارگری را کارگران صنایع چرم و نساجی تشکیل میدهند زیرا این وسیع ترین رشته تولیدی به لحاظ تمرکز نیروی کار است. در این رشته تولیدی ۱۳ میلیون شاغلند

که اکثریت آنها زن هستند. بسیاری از گروهها و سازمانهای سیاسی که در یکسال گذشته علنا" به فعالیت پرداخته اند بجای اینکه از فضای نسبتا" باز سیاسی در جهت آگاهی و سازمان دهی کارگران بهره گیری کنند، به توهم پراکنی در میان کارگران می پردازند. گویا که تحول اساسی در وضعیت پدیدارگشته است. بعنوان مثال در آستانه انتخابات ریاست جمهوری نقطه عزیمت بسیاری از احزاب و سازمان های که کاندیدا معرفی کرده اند، نه تغییر اوضاع نابسامان اقتصادی، که ضدیت با فرد حبیبی است. هیچگونه بند و مطالبه اقتصادی که بیانگر حمایت آنها از کارگران و زحمتکشان باشد، به چشم نمی خورد. آنها در تبلیغات خود شخص حبیبی را عامل فقر و فلاکت معرفی می کنند. به عنوان نمونه میتوان به اتحادیه کارگری وابسته به جریانات اسلامی اشاره کرد که از کارگران دعوت بعمل می آورد تا به کاندیدای جریانات لیبرال "مگاواتی - سوکارنو" (دختر سوکارنو رئیس جمهور ملی گرای اندونزی طی سال های ۱۹۶۳ الی ۱۹۶۷) رای بدهند. در صورتی که در برنامه انتخاباتی این جریان از دفاع از کارگران و خواست های صنفی کارگران، از زنان و بهداشت و آموزش خبری نیست.

گرایش رادیکال در جنبش کارگران طی سی سال گذشته بعلت خفقان و سرکوب، امکان حضور و رشد نیافته است. بدیهی است که بخش اعظم کارگران غیر متشکل اند، اتحادیه ما موسوم به PDDI که تا یکسال پیش بطور غیر علنی فعالیت میکرد، بیشترین فعالیت خود را در صنایع چرم و نساجی متمرکز نموده است. اتحادیه ما ضمن اینکه از امکان علنی جهت سازماندهی کارگران استفاده میکند تا حضور خود را بعنوان نیروی مدعی تغییرات اساسی بقبولاند، اما از شرایط و جو نیمه باز فعلی سربست نمی شود و لذا به موازات فعالیت علنی، به تشکیل هسته های مخفی از کارگران آگاه تروبا تجربه ترمپیرواز. ما ازانندک نیروهای هستیم که ایده شوراهای در میان کارگران، دهقانان، زحمتکشان و دانش جویان تبلیغ و ترویج می کنیم تا بدین طریق رادیکالیسم را در جنبش کارگری تقویت نماییم. یکی دیگر از معضلات فعلی ما، عدم پیوند با نیروی ۳۰ میلیونی بیکاران در اندونزی است. ما فاقد مکانیزمی جهت پیوند با این نیروی عظیم هستیم. این نیرو فاقد کاراست، در فقر غوطه میخورد. معترض است و اسیر توهم پراکنی های این یا آن جریان لیبرال و بورژوا هم نمی شود. در نتیجه بلحاظ مادی مساعدترین نیرو است. بعبارت دیگر آنها بمثابه " گنج " جنبش اند و فقط باید بدان دسترسی یافت. در این زمینه در سطح بین المللی، تلاشهایی صورت گرفته است. بطور مثال در دیدارها و مذاکرات با مقامات اتحادیه های کارگری استرالیا و یا اروپا، تقاضای دریافت کمکهای آموزشی، معنوی و مالی برای براه اندازی دوره ها و کلاس های کارآموزی برای بیکاران کرده ایم تا بدین طریق پل ارتباطی با بیکاران برقرار نماییم که موفقیت هائی نیز داشته ایم و قولهایی داده شده است. بصراحت به همزمان خود در اتحادیه های کارگری جهان اعلام کرده و می کنیم که امروزه صرفا" صدور و قرائت پیام همبستگی این یا آن اتحادیه کارگری دردی از طبقه کارگر در بند دوا نمیکند و از همین رو ما طالب آن همبستگی هستیم که در مبارزات کارگران تاثیر گذار باشد.

نقش اعتصاب عمومی سیاسی در روند سرنگونی جمهوری اسلامی

تری به خود گرفته است. خود این واقعیت که برغم تلاش هیئت حاکمه و جناح های آن برای مهار این بحران، این بحران همچنان به حال خود باقی است، و آنها کمترین توفیقی در کنترل و مهار آن نداشته اند، دلیلی است روشن بر این که بحران موجود، یک بحران سیاسی معمولی نیست که فرضاً بتوان با جابجائی جناح ها و مهره های رژیم، حک و اصلاح قوانین و بزک کردن سیستم سیاسی بر آن غلبه کرد. این یک بحران عمیق و ریشه دار است که از علی ژرف منشأ گرفته است. این بحران از یکسو محصول حدت بی سابقه تضادهای نظام اقتصادی - اجتماعی موجود و از سوی دیگر تشدید بیسابقه تضادهائی است که دولت مذهبی و درکل روبنای سیاسی - حقوقی موجود در تمام عرصه ها ببار آورده است. نتیجتاً انبوهی از تضادها که به حالت انفجار رسیده اند، بحران همه جانبه را در تمام سطوح اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ببار آورده اند. بحران سیاسی موجود انعکاس همه این تضادها و بحرانهاست که وجود آن راه حلی قطعی را برای انبوه این تضادها الزام آور میسازد. این بحران شکست سیاستهای گذشته رژیم را در همه عرصه ها آشکار نموده و حتی به طبقه حاکم فهمانده است که دیگر نمی تواند به شیوه گذشته بر مردم حکومت کند. از اینجاست پیدایش پدیده خاتمی و سیاست های جناحی از هیئت حاکمه که اوسخنگوی آنهاست. اما تجربه دو سال گذشته نشان داد که این بحران عمیق تر از آن است که با حک و اصلاح سیاستهای گذشته، در چارچوب سیاست و مواضع خاتمی، حل گردد. لذا در این دو سال نه تنها بحران سیاسی تخفیف پیدا نکرد بلکه عمیق تر شد و با تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه و تعمیق شکاف در دستگاه دولتی، ابعاد گسترده تری به خود گرفت. این بحران در عین حال بیانگر این واقعیت است که مردم دیگر نمی خواهند وضع موجود را تحمل کنند، و دیگر نمی خواهند به شیوه گذشته زندگی کنند. از این روست که توده زحمتکش مردم یعنی اکثریت بسیار عظیم مردم ایران که زیر شدید ترین فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار گرفته اند، توده مردمی که نظم موجود آنها را به فقر وسیع روزی هولناکی سوق داده است، زنان و مردانی که ابتدائی ترین حقوق مدنی و انسانی آنها لگد مال شده است و با اختناق و سرنیزه از آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک خویش محروم شده اند، بپا خاسته و به یک مبارزه علنی، مستقیم و آشکارا رژیم جمهوری اسلامی روی آورده اند. اعتراض و مبارزه کارگران و زحمتکشان و روشنفکران در چند سال اخیر دائماً وسعت گرفته است. برغم اختناق و سرکوب های وحشیانه رژیم، کارگران در صدها مورد، دست به اعتصاب، تجمع و راه پیمائی زده اند. توده های زحمتکش و تهی دست شهرها، زنان، جوانان، دانشجویان، ملیتهای تحت ستم، در دهها و صدها مورد به تظاهرات، راهپیمائی سنگربندی خیابانی و حتی قیامهای محلی در این یا آن منطقه و شهر روی آورده اند. درست است که این مبارزات و جنبش ها همگی با سرکوب فرونشاندن شده اند، اما این سرکوبها نه تنها به فروکش و افت جنبش نیانجامیده، بلکه بالعکس

تداوم و اعتلا جنبش های اعتراضی را در مقیاسی وسیع تردر پی داشته است. این واقعیت نیز نشان می دهد که مرحله نوینی در زندگی مبارزاتی مردم آغاز شده است. مرحله ای که دیگر سرکوب نمیتواند جنبش های اعتراضی را مهار و رکود و خمود را برجانبش حاکم سازد. این جنبشها از آنجائی که هنوز جنبش های اولیه یک دوران اعتلا نوین محسوب می شوند، خود بخودی، نامتشکل، پراکنده و منفردند و طبیعی است که در این مرحله هنوز نتوانند به یک جنبش پایدار سراسری تبدیل شوند. برای اینکه مبارزات از مرحله کنونی آن فراتر روند و جنبش های پراکنده به یک جنبش سراسری تبدیل شوند، ضروری است که یک نیروی جدید وارد عرصه مبارزه سیاسی شود و اشکال نوینی از مبارزه جای اشکال موجود را بگیرند. این نیرو طبقه کارگر و شکل نوین مبارزه بویژه اعتصاب عمومی سیاسی بعنوان شکل مبارزه مختص طبقه کارگر است. تجربه انقلاب پیشین توده مردم ایران علیه رژیم شاه نیز بوضوح همین امر را نشان داد. در آن هنگام نیز در آغاز یعنی در مرحله نخستین دوران اعتلا انقلابی، جنبشهای پراکنده در میان تهی دستان حاشیه نشین شهرهای بزرگ، تظاهرات و قیام های منفرد در برخی شهرها، فرا رسیدن مرحله نوینی از زندگی مبارزاتی توده ها را اعلام کرد. اما از آنجائی که این جنبش ها هنوز منفرد، پراکنده و محدود بودند، رژیم شاه با توسل به نیروی سرکوب خود توانست در هر مورد جدا گانه این جنبش ها را سرکوب کند. مهذا به این علت که دوران نوینی در زندگی مبارزاتی توده مردم آغاز شده بود و رژیم شاه بیش از پیش در یک بحران سیاسی فرو میرفت این سرکوبها نتوانست مردم را از مبارزه بازدارد و مانعی بر سر راه اعتلا جنبش ایجاد نماید. بالعکس این جنبش ها در سطح گسترده تری شکل گرفتند و ادامه یافتند. اما این جنبش ها هنوز در مرحله ای نبودند که بتوانند یک خطر جدی برای رژیم محسوب شوند و موجودیت آنرا به مخاطره افکنند. جنبش، هنگامی به مرحله کیفی نوینی ارتقا یافت و به یک جنبش سراسری تبدیل گردید که طبقه کارگر به عرصه مبارزه سیاسی مسقیم علیه رژیم شاه روی آورد و به حربه اعتصاب عمومی سیاسی متوسل گردید. البته طبقه کارگر نیز بدون مقدمه و در یک لحظه به اعتصاب سیاسی روی نیاورد. جز در مواردی اندک، ابتدا توده کارگر، حول مطالبات اقتصادی در موسسات مختلف به اعتصابات اقتصادی متوسل شد. این اعتصابات اقتصادی نقش بسیار مهمی در بسیج عمومی توده های کارگر ایفا نمودند و عقب مانده ترین بخش طبقه کارگر را نیز به مبارزه جلب نمودند. از آنجائی که این اعتصابات در یک دوران انقلابی بوقوع پیوستند، بسرعت تبدیل به یک اعتصاب عمومی شدند. در مدتی کوتاه این جنبش اعتصابی ارتقا یافت و مطالبات سیاسی در راس مطالبات کارگران قرار گرفتند و اعتصاب عمومی سیاسی طبقه کارگر شکل گرفت. با شکل گیری اعتصاب عمومی سیاسی، جنبش مبارزاتی توده مردم علیه رژیم شاه به یک جنبش سراسری تبدیل گردید. وسیعترین بخش توده های مردم

به مبارزه علیه رژیم روی آوردند. اعتصاب عمومی سیاسی ضرباتی سنگین بر پیکر پوسیده رژیم شاه وارد آورد. تمام اقتصاد را فلج کرد. منابع تغذیه مالی رژیم را قطع نمود. نظام موجود را آشکارا به مبارزه طلبید و سر درگمی و اغتشاش را در میان طبقه حاکم و ارگان ها و نهادهای سرکوب آن افزایش داد. اعتصاب عمومی وسیع ترین و گسترده ترین های بسیج نیرو علیه رژیم شاه بود. اما این شکل مبارزه قادر به سرنگونی رژیم نبود. میبایستی با اشکال دیگر تلفیق شود و به شکلی عالی تر ارتقا یابد. چنین نیز شد. توأم با اعتصاب عمومی سیاسی، تظاهرات و راهپیمائیهای چند میلیونی، تظاهرات موضعی، سنگربندی خیابانی نیز شکل گرفتند. در پی این شرایط است که بحران سیاسی به مرحله ای از رشد و تکامل خود میرسد که همه شرایط برای سرنگونی رژیم شاه فراهم میگردد، اعتصاب عمومی سیاسی به شکلی عالیتر، یعنی قیام مسلحانه توده ای ارتقا مییابد، و در جریان این قیام مسلحانه است که رژیم سلطنتی سرنگون میشود. با وجود اینکه بسته به شرایط مختلف، کارگران و زحمتکشان به اشکال بسیار متنوع و گاه کاملاً نوین مبارزه روی می آورند، اما با توجه به تجربه انقلاب توده ای گذشته و کارائی اشکال مبارزه ای که کارگران و زحمتکشان به آنها متوسل شدند و نیز در نظر گرفتن اشکال مبارزاتی مختص طبقه کارگر در دوران بحرانهای حاد، میتوان گفت که این بار نیز در جریان بحران سیاسی حادی که رژیم با آن روبرو شده و دوران نوینی در اعتلا و رشد جنبش گشوده شده است، جنبش در خطوط کلی خود همان مسیر را طی خواهد کرد و اشکال اساسی مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی نیز همان اشکال پیشین خواهد بود. یکی از این اشکال اساسی که چپ انقلابی در شرایط کنونی و با ارزیابی از تحول اوضاع و تشدید بحران سیاسی، باید با تبلیغ و ترویج و اقدامات عملی به شکل گیری آن یاری رساند، اعتصاب عمومی است. این شکل از مبارزه میتواند وسیعترین بخش توده های کارگر و زحمتکش را برای سرنگونی جمهوری بسیج کند. این شکل از مبارزه قادر است، به مبارزات پراکنده و منفرد موجود، ابعادی سراسری بدهد. این شکل از مبارزه می تواند شکاف های درون طبقه حاکمه را عمیق تر کند و کارائی نیروی سرکوب را پائین آورد. اگر امروز نیروی سرکوب رژیم می تواند در این یا آن نقطه، در این یا آن مورد، جنبشی را که پا می گیرد سرکوب کند، هنگامی که یک اعتصاب عمومی سیاسی در سراسر ایران شکل بگیرد، دیگر قادر نخواهد بود در نبردی به وسعت سراسر ایران نیروی سرکوب را به کارگیرد. نمی تواند برای هر کارخانه و موسسه ای که دست به اعتصاب زده اند، نیروی سرکوب خود را گسیل کند. اعتصاب عمومی، سردرگمی و تزلزل در ارتش و دیگر نیروهای سرکوب رژیم را افزایش خواهد داد. اعتصاب عمومی سیاسی به تمام معنا رژیم را فلج خواهد کرد. چرخ تولید را متوقف خواهد ساخت و منابع مالی رژیم را که برای حیات آن تعیین کننده اند، مسدود خواهد نمود. اعتصاب عمومی سیاسی، شرایط لازم را

اخباری از ایران

افزایش سرسام آور قیمت حبوبات و برنج

روزنامه رسالت ۱۹ مهر ۷۸، اعلام کرد که قیمت حبوبات در سال جاری در مقایسه با سال گذشته ۱۰۰ تا ۱۵۰ درصد افزایش یافته است. این روزنامه لیستی را به چاپ رسانده است که در آن قیمت انواع حبوبات در اواخر سال ۷۷ با اواسط سال جاری مقایسه شده است که برای نمونه به چند مورد آن اشاره می‌کنیم.

نوع حبوبات	قیمت یک کیلو در بهمن ۷۷ به تومان	قیمت یک کیلو در مهر ۷۸ به تومان
نخود	۳۶۰	۶۵۰
لوبیا سفید	۳۶۰	۵۵۰
عدس	۶۰۰	۷۰۰
لوبیا چیتی	۳۶۰	۶۰۰
لوبیا قرمز	۲۱۵	۳۰۰
لوبیا چشم بلبلی	۳۵۰	۶۰۰
لپه تبریز	۴۰	۸۰۰

همین روزنامه، مورخ ۲۲ مهر اعلام کرده است که قیمت برنج در ظرف دو روز گذشته (۲۰ و ۲۱ مهر) در هر کیلو حداقل ۲۰۰ ریال افزایش داشته است. هم اکنون قیمت یک کیلو برنج دم سیاه ۱۲۰۰ تومان، طارم ۱۰۰۰ تومان، طارم معطر ۱۰۵۰ تومان است. به علاوه یک کیلو برنج استخوانی مازندران و یک کیلو برنج تایلندی که در سال گذشته به ترتیب ۴۵۰ و ۳۰۰ تومان بوده است، هم اکنون به ۷۰۰ و ۵۰۰ تومان افزایش پیدا کرده است.

نقش اعتصاب عمومی سیاسی در ...

برای بدست گرفتن ابتکار عمل توسط توده‌ها، و ارتقاء مبارزه به شکلی عالی تر، یعنی قیام مسلحانه توده‌ای علیه رژیم فرام خواهد ساخت. جمهوری اسلامی، قطعاً تا آخرین لحظات حیات خود تلاش خواهد کرد تا با تکیه به نیروی سرکوب رسمی و غیر رسمی اش از موجودیت خود دفاع کند. اما هنگامی که اعتصاب سیاسی به وسعت سراسریان شکل بگیرد، هنگامی که عقب مانده ترین بخش توده‌ها به مبارزه ای علنی و مستقیم روی آورند، و هنگامی که این توده وسیع کارگران و زحمتکش دست به اسلحه ببرند، تمام نیروی سرکوب رژیم چون حبابی خواهد ترکید و محو خواهد شد. لذا روشن است که بدون برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی توسط کارگران و پیوستن توده مردم در دیگر موسسات به این اعتصاب بحثی از سرنگونی جمهوری اسلامی نخواهد بود. اما اعتصاب عمومی سیاسی، تنها از این جهت حائز اهمیت نیست، از دیدگاه ما کمونیست‌ها که برای استقرار حکومت کارگران و زحمتکشان، برای تامین هژمونی طبقه کارگر برجانبش و برای آزادی و سوسیالیسم مبارزه میکنیم، اعتصاب عمومی سیاسی بالقوه به معنای ارتقاء طبقه کارگر به سطح رهبرجنبش و تامین هژمونی این طبقه بر جنبش است. این نکته اساسی است که هیچ انقلابی در ایران نمی‌تواند به ثمر برسد، مگر آنکه رهبری آن در دست طبقه کارگر باشد.

تجمع اعتراضی کارگران لوله سازی

بیش از ۲۵۰ تن از کارگران لوله سازی خوزستان، در اعتراض به عدم پرداخت چهار ماه حقوق و مزایای خود، در برابر ساختمان استانداری خوزستان در اهواز، دست به یک تجمع اعتراضی زدند. بنابه گزارش روزنامه رسالت مورخ ۲۲ مهر، وقتی که رئیس شورای شهر و برخی از مسئولین استانداری در محل حاضر شده و قصد سخنرانی داشتند، کارگران مانع از این مسئله شدند و حقوق‌های عقب افتاده خویش را طلب کردند.

تحصن کارگران بافندگی کاشان

روز سه شنبه ششم مهر ماه، بیش از ۱۰۰ تن از کارگران شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی کاشان، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خویش، دست به تحصن زدند. در اثر این اقدام کارگران که ادامه اقدامات اعتراضی اوایل شهریور ماه آنان بود و پیگیری کارگران این شرکت برای گرفتن حق و حقوقشان را نشان میداد، با وجود آنکه مدیر عامل شرکت در جمع کارگران حاضر شد، اما او طبق معمول بهانه ای برای تضییق حقوق کارگران درجیب داشت و این بار اعلام کرد که به علت قدیمی بودن دستگاههای کارخانه (۶۰ ساله) و فقدان قدرت تولید پارچه مرغوب، قادر به پرداخت دستمزد کارگران نمی‌باشد!

تجمع کارگران در برابر فرمانداری

روز سه شنبه بیستم مهرماه، کارگران کارخانه ریسندگی سمنان که از یک سال پیش از کار بیکار شده اند و هیچ گونه حقوقی به آنان پرداخت نشده است، بابرپائی یک تجمع اعتراضی در برابر فرمانداری سمنان، خواهان بازگشت به کار و رسیدگی به وضعیت خود شدند.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری

روز یکشنبه هجدهم مهرماه، کارگران شهرداری ایلام در اعتراض به عدم پرداخت حقوق شهریور ماه خویش، در محل شهرداری این شهر تجمع کردند. بنا به گزارش روزنامه اخبار اقتصادی، کارگران شهرداری، علاوه بر دریافت حقوق و مزایای شهریور خود، بیش از پانزده ماه است که از دریافت اضافه کاری، حق ماموریت و حق لباس نیز محروم شده اند. مسئولین شهرداری ایلام علت این مسئله را بدهکاری شهرداری عنوان کرده و اظهار کرده اند که شهرداری ایلام ۱۲ میلیارد ریال به دستگاههای دولتی و موسسات خصوصی بدهکار است!

در گیلان ۱۵ هزار کارگر

بیکار شده و ۱۵۰۰ کارگر

دوسال است حقوق نگرفته اند.

روزنامه کار و کارگر اعلام کرد که در طی یک سال گذشته بیش از ۱۵ هزار نفر از نیروهای

شاغل استان گیلان از کار بیکار شده‌اند که از این تعداد ۸ هزار نفر از سوی کارخانه‌ها باز خرید، ۴ هزار نفر توسط مراجع تصمیم گیری اخراج و بیش از ۳ هزار نفر دیگر که کارگران قراردادی بوده اند نیز اخراج شده اند. همین روزنامه اعلام کرد که هم اکنون بیش از ۲۵ هزار کارگر شرکتهای خدماتی از کمترین حقوق کارگری خود نیز محروم‌اند و حقوق ۲ ماه تا دوسال دست کم ۱۵۰۰ تن از کارگران کارخانه هائی نظیر نساجی شما، ایران جیکا، تن ساز، کفش گنجه، شرکت گیلتان، ماکارونی سازی نغمه، رنگ سازی سراوان و جوروب گیلان پرداخت نشده است.

افزایش واردات، کاهش صادرات

میزان واردات کالاهای غیر نفتی، طی شش ماهه اول سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل معادل ۲۸/۷ درصد رشد داشته و به بیش از ۱۱ میلیون تن رسیده است. در برابر آن صادرات غیر نفتی در همین مدت کمتر از ۵ میلیون تن بوده است. مدیر عامل سازمان بنادر و کشتی رانی جمهوری اسلامی در مورد کالاهای نفتی گفت: واردات کالاهای نفتی در طی همین دوره به حدود ۳/۵ میلیون تن رسیده است که این رقم نسبت به سال گذشته به میزان ۴۳ درصد افزایش یافته است.

کاهش تولیدات

دبیرانجمن صنایع نساجی حکومت اسلامی عنوان کرد که در شش ماهه اول سال جاری، تولید الیاف اکریلیک و تابس اکریلیک به ترتیب ۱۷/۸ و ۷۱ درصد، تولید نخ از پنبه و الیاف مصنوعی ۲/۶ درصد و تولید فرش ماشینی ۴ درصد نسبت به زمان مشابه سال گذشته کاهش یافته است.

چند خبر کوتاه

دبیر کل خانه کارگر اعلام کرد که ۵۴ درصد کارگران ایران، روزانه بیش از ۱۲ ساعت کار میکنند. او اضافه کرد اگر کارگران کمتر از این ساعات کار کنند، با مشکلات مادی و معیشتی زیادی روبرو خواهند شد.

معاون توان بخشی سازمان بهزیستی گفت در حال حاضر ۶ میلیون نفر معلول ذهنی و جسمی در کشور وجود دارد که از این تعداد دو میلیون نفر دارای معلولیت بارز هستند که به مراقبت‌های ویژه نیاز دارند.

روزنامه ایران مورخ هفتم مهر ۷۸ نوشت: در دوسال گذشته ۸۰۰ شرکت ایرانی در کشورهای خلیج فارس به ثبت رسیده است که مجموعه سرمایه آنها بالغ بر یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار است. همین روزنامه میزان سرمایه ایرانیان خارج از کشور را رقمی بین ۲۵ تا ۵۰ میلیارد دلار تخمین زده و آن را نشانه فرار حجاج سرمایه از ایران دانسته است.

زنده باد سوسیالیسم

گزیده ای از نامه های رسیده

توصیح کوتاهی برستون گزیده‌ای از نامه‌های رسیده

رفقا و دوستانی که برای ما نامه می نویسند ، چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع را در نامه قید کنند . عدم تذکر این مسئله ، بمعنی عدم مخالفت نویسنده نامه با درج نام خود در نشریه کار میباشد و در این صورت نشریه کار نسبت به درج نام نویسنده تصمیم میگیرد.

تحریبه کار در گزینش نامه ها برای درج در نشریه کار و کوتاه کردن آنها مجاز است.

نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت هایی از نامه‌های رسیده و همچنین یادداشت‌هایی را که از تشکلهای دمکراتیک دریافت میکند، انتخاب کرده و آنرا بچاپ برساند. درج این مطالب ، لزوماً بمعنی تأیید مواضع نویسندگان نامه و یا تشکلهای آنها نیست. از همه رفقا و دوستانی که برای ما نامه مینویسند درخواست میکنیم نامه خود را اگر تایپ نمیکند، با خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویش را در نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف درشت و در هر حال بطور خوانا بنویسند. با تشکر قبلی

هلند _ رفیق عزیز (ش . ن) ، نامه شما که در آن به دریافت منظم نشریه کار اشاره کرده اید بدستمان رسید. شما به مطالعه سلسله مقالات تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری اظهار علاقه نموده و سؤال کرده اید آیا این مبحث ، بصورت کتاب یا جزوه جداگانه‌ای منتشر شده است که بتوانید از ابتدای آن به مطالعه بپردازید یا نه ؟ محض اطلاع شما ، آغاز چاپ این مقاله در نشریه کار به چهار سال قبل برمیگردد و در این چهار سال تقریباً بطور منظم در هر شماره نشریه کار درج شده است که طبعاً شما نیز می توانید برای مطالعه به شماره های قبلی نشریه کار مراجعه کنید. معذراً این احتمال وجود دارد که این سلسله مقالات بصورت کتاب جداگانه‌ای نیز به چاپ برسد.

بارسلون _ قشقای ، رفیق بسیار عزیز نامه چهارصفحه‌ای شما همراه با ده صفحه اطلاعات مربوط به موضوع نامه که ضمیمه آن کرده بودید تماماً بدستمان رسید. قبل از هرچیز از احساس مسئولیت و همکاری شما صمیمانه قدردانی می کنیم. این نامه همراه با ضمیمه های آن در اختیار تشکیلات قرار داده شد تا نسبت به این مسئله تحقیقات لازم بعمل آید. در ضمن مبلغ دو هزار پزوی ارسالی شما هم رسید. نشریه کار به آدرسی که داده بودید برایتان ارسال میشود و بزودی اطلاعاتی در مورد شرایط آبونه نشریه نیز برایتان فرستاده می شود. در خاتمه یکبار دیگر از همکاری شما قدردانی میکنیم و برایتان آرزوی موفقیت داریم.

باکو _ رفیق عزیز ج _ نامه شما را که در آن به دریافت منظم نشریه کار و تکثیر و توزیع آن در بین کارگران مهاجر ایرانی ، پناهجویان و

فراخوان شرکت در آکسیون اعتراضی

به حضور رئیس جمهور رژیم ترور و وحشت در فرانسه اعتراض کنیم!

قرار است رئیس جمهور رژیم ضدبشری جمهوری اسلامی به دعوت دولت فرانسه و یونسکو روز سه شنبه ۲۶ اکتبر وارد پاریس شود. در اعتراض به حضور خاتمی به عنوان نماینده رژیمی که ابتدائی ترین حقوق انسانی را از مردم ایران سلب نموده و با کشتار و سرکوب به حیات ننگین خود ادامه داده است، آکسیون اعتراضی از سوی فعالان سازمان ما و تعدادی از سازمانها و فعالین چپ در پاریس برگزار می شود.

فعالان و هواداران سازمان، نیروهای چپ و انقلابی، ایرانیان دمکرات و آزادیخواه!

با شرکت در آکسیون اعتراضی پاریس، و برپائی تظاهرات در برابر سفارتخانه های فرانسه و دفاتر یونسکو در کشورهای محل سکونتتان، به دعوت دولت فرانسه، و یونسکو از رئیس جمهور حکومت اسلامی اعتراض کنید و نفرت خود را از رژیم ضدبشری جمهوری اسلامی ابراز دارید.

تشکیلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۹ اکتبر ۱۹۹۹

آلمان _ از طرف نشر گفتگو های زندان، کتابی با عنوان " کتاب سیاه ۶۷ : اسناد نسل کشی کمونیستها، انقلابیون و زندانیان سیاسی ایران " برایمان فرستاده شده است. در این کتاب فهرست اسامی زندانیان سیاسی که در کشتار وحشیانه سال ۶۷ بدست دژخیمان جمهوری اسلامی به قتل رسیده اند، به چاپ رسیده است. در این کتاب که تمام صفحات آن به درج اسامی اختصاص یافته است، نام ۴۷۹۹ نفر از زندانیان سیاسی و نیز اطلاعات دیگری در مورد زندان و نحوه نابودی زندانیان به چاپ رسیده است. در راستای افشای و محکومیت جنایات ضد بشری جمهوری اسلامی برای این دوستان پرتلاش آرزوی موفقیت میکنیم. و بخاطر ارسال کتاب نیز تشکر میکنیم. پیروز باشید.

با کمک های مالی خود

سازمان را یاری رسانید

مسافرین اشاره کرده بودید دریافت کردیم. همچنین شماره فاکس و تلفن شمارا در اختیار تشکیلات خارج از کشور سازمان قرار دادیم تا نسبت به تماس و ارتباط با شما اقدام مقتضی بعمل آید. با ما در تماس باشید و برنامه هایتان برایمان از وضعیت ایرانیان و پناهجویان و کارگران مهاجر ایرانی بنویسید. پیروز باشید.

آلمان _ دوست عزیز افغانی، جاهد، نامه ای را که برایمان فاکس کرده بودید در یافت کردیم. این نامه و شماره فاکس شما در اختیار تشکیلات خارج از کشور سازمان قرار داده شد تا نسبت به در خواستهای شما تصمیم گیری شود و در حد امکان اقدامات لازم بعمل آید. پیروز باشید.

آلمان _ دوست عزیز، م: نامه شما را که در آن چند شماره نشریه کار را مطالبه کرده بودید دریافت کردیم. این نامه را در اختیار انتشارات سازمان قرار دادیم تا در مورد تهیه این شماره ها و چگونگی ارسال آن تصمیم مقتضی بعمل آید. در این مورد با شماره ای که داده بودید تماس گرفته خواهد شد. پیروز باشید.

* _ از طرف کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)، کتاب سمینار بین المللی استکهلم که تحت عنوان " زندان، زنان، حقوق بشر و سانسور در ایران " در اکتبر ۹۸ برگزار شده بود، برای ما ارسال شده است. در این کتاب علاوه بر مطالب ارائه شده در سمینار یاد شده، و نیز قطعنامه پایانی آن، اسامی دوهزار و دویست و یازده نفر از زندانیان سیاسی ایران نیز که در جریان کشتارهای جمعی تابستان ۶۷ بدست دژخیمان جمهوری اسلامی به قتل رسیدند، به چاپ رسیده است. در هر حال ضمن تشکر از ارسال کتاب ، براین امیدیم که فعالیتهای افشای گرانه این رفقا و مبارزه آنها علیه رژیم جمهوری اسلامی و برای تامین آزادیهای سیاسی قرین موفقیت گردد.

پاکستان _ از کویته پاکستان "بولتن فوق العاده جمعیت انقلابی زنان افغانستان _ مارس ۹۹" ویژه بزرگداشت هشت مارس روز جهانی زن برایمان فرستاده شده است. در این بولتن ، از جمله به برگزاری مراسمی به مناسبت گرامی داشت روز زن در شهر پیشاور پاکستان نیز اشاره شده است و منجمله چنین عنوان شده است که در این مراسم بیش از هزار نفر شرکت نموده و روز زن را گرامی داشته اند . در این مراسم همچنین مقالاتی در مورد وضعیت زنان افغانستان قرائت شده است . علاوه بر مراسم سرود خوانی، همچنین " به یاد و احترام زنان ایرانی که داخل و خارج زندانهای ایران قهرمانانه میرومند " قطعه شعری بنام " زن " دکلمه گردید. با تشکر فراوان از ارسال نشریه توسط این دوستان افغانی، در راه مبارزه علیه تبعیض و نابرابری و علیه ارتجاع اسلامی ، برای آنها آرزوی پیروزی داریم.

کمیته های کارخانه را در هر کارخانه و کارگاه ایجاد کنیم



اعتراض کارگران در لهستان

روز ۲۴ سپتامبر، ۳۰ هزار نفر از کارگران در اعتراض به کاهش حق بازنشستگی، خدمات درمانی و رفاهی میلیونها کارگر، به خیابانهای شهر ورشو آمده و دست به راه پیمائی زدند. در این روز کارگران معدن، کشاورزی، راه آهن کارخانه های صنایع دفاع به همراه هزاران پرستار و معلم در مقابل پارلمان این کشور تجمع نموده و با به آتش کشیده پرچم اتحادیه اروپا خشم خود را به نمایش گذارند. سرمایه گذاری دول اروپائی در این کشور، طی سال گذشته موجی از اخراج در کارخانجات و موسسات تولیدی را به دنبال داشته است.

هشدار کارگران به دولت

با فراخوان اتحادیه های کارگری، روز ۲۵ سپتامبر بیش از ۴۰ هزار کارگر در شهر براتیسلاوا مرکز جمهوری اسلواکی، تجمع نموده و در اعتراض سیاستهای اقتصادی دولت دست به راهپیمائی زدند.

اعتصاب ۱۰۰ هزار

راننده در سراسر جهان

به دعوت اتحادیه جهانی کارگران حمل و نقل، روز ۵ اکتبر، بیش از ۱۰۰ هزار راننده رانندگان اتوبوس و کامیون، در ۵۰ کشور مختلف جهان، از نوژ تا مغولستان و از آرژانتین تا زیمبابوه در اعتراض به شرایط طاقت فرسای کار خود و برای کاهش ساعات کار روزانه دست به برپائی یک رشته حرکات اعتراضی تحت عنوان "خستگی مرگ آور است" زدند.

* _ در فرانسه، در ۲۰ نقطه مختلف رانندگان با حرکت آرام، دست به ایجاد راهبندان زده و با ایجاد صف طولانی از صدها اتوبوس و کامیون، عبور و مرور در جاده ها را مختل نموده و نا رضایتی خود را از شرایط فعلی کار به نمایش گذاشتند.

* _ در شهر استراسبورگ، پل ارتباطی "اروپا" توسط صد ها راننده مسدود شده و در ایتالیا، رانندگان زحمتکش ۵ نقطه ورودی به این کشور را مسدود نموده و از عبور و مرور هزاران اتومبیل جلوگیری کردند.

* _ در نوژ، ۱۶ هزار نفر از کارگران حمل و نقل، در شهر اسلو و ۷ شهر دیگر این کشور دست به یک اعتصاب ۲ ساعته زدند.

* _ در زیمبابوه، هزاران کارگر در خیابانهای شهر تجمع نموده و با راهپیمائی در خیابانها خواهان بهبود شرایط کار خود شدند.

* _ و بالاخره در این روز، هزاران کارگر حمل و نقل، در شهر اولانباتور، مرکز جمهوری

مغولستان، با تعطیل کارها به خیابانها آمده و بعد از راه پیمائی در خیابانها، در میدان مرکزی شهر گرد آمدند و خواستار بهبود فوری شرایط کار خود شدند.

* _ روز ۶ اکتبر نیز هزاران کارگر در بلژیک، فرانسه و آلمان در مدخل ورودی این ۳ کشور به لوکزامبورگ تجمع نموده و با مسدود نمودن راههای ارتباطی، خواستار رسیدگی فوری به خواسته های خود شدند.

اعتراض کارگران در برزیل

روز ۲۶ ژوئیه صدها کارگر، دهقان بی زمین زحمتکش سرخپوست، در اعتراض به وضعیت فلاکتبار میلیونها نفر در برزیل، یک راه پیمائی بطول ۱۶۰۰ کیلومتر را آغاز نمودند. روز ۱۷ اکتبر، شرکت کنندگان در این راه پیمائی وارد پایتخت این کشور، شهر برزیلیا شدند. در همین رابطه هزاران نفر از کارگران با فراخوان چند اتحادیه کارگری کارها را تعطیل نموده، و در مقابل بانک مرکزی برزیل تجمع نمودند. کارگران در این گردهم آئی خواستار قطع فوری برنامه های اقتصادی شدند که مستقیماً "از سوی صندوق بین المللی پول به دولت این کشور دیکته می شود.

اعتصاب عمومی در پرو

روز ۱۴ اکتبر، ده ها هزار نفر از کارگران در سراسر پرو دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. این حرکت در اعتراض به سیاست های دولت این کشور بود که به گفته کارگران نتیجه ای جز افزایش بیکاری و تشدید فقر و فلاکت نداشته است.

اشغال کارخانه توسط کارگران

روز ۱۴ اکتبر، صدها نفر از مامورین گارد ویژه پلیس، به دستور مستقیم مقامات دولتی، به کارخانه کاغذسازی واقع در ۸۰ کیلومتری شمال غربی لنینگراد، یورش برده و تلاش نمودند که این کارخانه را از اشغال کارگران در آورند. این کارخانه کاغذ سازی، همزمان با باز شدن پای سرمایه داران غربی در روسیه، به یک شرکت انگلیسی فروخته شد، صاحبان جدید، به کارگران وعده دادند که بزودی تمام دستمزدهای معوقه کارگران پرداخت خواهد شد. یکسال گذشت و نه تنها هیچ خبری از دستمزدها نشد بلکه کارگران متوجه شدند که کارفرمای جدید قصد اخراج تعدادی از کارگران را دارد. اطلاع از این خبر، کاسه صبر کارگران را لبریز نموده و ۲۱۶۰ نفر از کارگران، این کارخانه را از مزه فوریه به اشغال خود در آورده و اعلام نمودند تا پرداخت دستمزد های معوقه خود، کارخانه را ترک نخواهند کرد. در یورش اخیر مامورین پلیس، ۸ کارگر در یکی از ساختمانهای اداری به گروگان گرفته شدند. در مقابل، ۵۰۰ کارگر خشمگین این ساختمان را محاصره کرده و اعلام نمودند تا آزادی رفقای خود، به ماموران پلیس اجازه نخواهند داد که این محل را ترک کنند.

اعتصاب ۷۰۰ هزار نفر در کلمبیا

روز ۱۴ اکتبر، ۷۰۰ هزار نفر کارگر و کارمند بخش های مختلف دولتی، دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. این اعتصاب در اعتراض به سیاست های اقتصادی دولت انجام گرفت. بر اساس این

سیاستها، روند خصوصی سازیها با زهم تشدید شده و هزینه های رفاهی کارگران بیش از پیش کاهش خواهد یافت. این درحالیست که بیش از ۵۵ درصد جمعیت این کشور زیر خط فقر زندگی می کنند. از دیگر پیشنهادات دولت، انجماد دستمزدها در یکسال آینده است. به گفته کارگران، اینها در واقع شروطی است که صندوق بین المللی پول، پرداخت وام ۲۰۷ میلیارد دلاری خود به دولت کلمبیا را به آنها مشروط نموده است. در این روز اعتصابیون خواهان توقف خصوصی سازی ها و عدم پرداخت بدهی این کشور به صندوق بین المللی پول شدند.

کارگران نیجریه ای کارخانه گاز این کشور را اشغال نمودند

در اوائل اکتبر، صدها تن از کارگران کارخانه ملی گاز نیجریه در اعتراض به اخراج کارگران، ساختمان کارخانه را به اشغال خود در آوردند. کارگران خواهان تخصیص سهمیه ثابتی جهت اشتغال کارگران بومی شدند. در دومین روز اعتصاب، کارگران، بندر Hortcourt که محل بار گیری کالاهاست را نیز به تصرف در آوردند. در نتیجه این حرکت یکپارچه و موثر کارفرمایان وارد مذاکره با اعتصابیون شدند.

لازم به ذکر است که کارگران هشدار داده بودند که در صورت ورود نیروهای نظامی، کارخانه را به آتش خواهند کشید. این اولتیماتوم، پاسخی به سرکوب نیروهای ارتش در اوائل ماه سپتامبر در این کشور بود. روز ۹ سپتامبر پلیس ضد شورش ضمن حمله زمینی و هوائی به کارگران بارانداز که به منظور افزایش دستمزد دست به اعتصاب زده بودند، ۱۰ تن از آنان را به قتل رسانده بود.

افزایش بیکاری در میان زنان اروپای شرقی و شوروی سابق

بنا بر آمار منتشره از سوی یونیسف، ۱۴ میلیون زن طی ده سال گذشته در کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق بیکار شده اند. مجموع بیکاران در این کشورها طی دوره فوق ۲۵ میلیون ذکر شده است.

در این گزارش همچنین بر تنزل سطح امکانات بهداشتی، تحصیلی و شغلی زنان در این کشورها تاکید شده است.

پیام فعالین سازمان در دانمارک پیرامون قتل یکی از فعالین اتحادیه کارگری به دست فاشیت ها

پیام همبستگی با اتحادیه SAC

رفقا!

با کمال تأسف مطلع شدیم که روز سه شنبه ۱۲ اکتبر، Soderberg یکی از فعالین اتحادیه شما در مقابل منزل خود به طرز فجیعی به قتل رسید. این قتل توسط جانپان نازی انجام گرفته و Bjorn به دلیل فعالیت های خود علیه نازیسم، این ننگ جامعه بشری، جان خود را از دست داد. Bjorn از بیشمار مبارزان کارگری بود که برای

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری

فعالیت کمیته های کارخانه ، انجام برخی وظائف برعهده کمیته های کارگاه گذاشته شد . مجتمع پوتیف اولین موسسه ای بود که در آن کمیته های کارگاه تشکیل شدند . در اینجا حدوداً ۴۰ کمیته کارگاه وجود داشت که وظیفه آنها دفاع از کارگران کارگاه ، سازماندهی و نظارت بر نظم درونی کارگاه ، نظارت دقیق بر شرایط کار ، کنترل استخدام و اخراج ، حل منازعات برسر مسئله دستمزد و نظارت بر اجرای مقررات بود . در دستورالعمل کمیته های کارگاه مجتمع پوتیف که در تاریخ ۲۴ آوریل صادر گردید ، بر موارد فوق تاکید شده بود و کمیته های کارگاه تابع کمیته کارخانه اعلام شده بودند . (۲۰) در برخی از کارخانه ها تصمیمات کمیته های کارگاه می بایستی به تصویب کمیته کارخانه برسند . کمیته های کارخانه و کنترل کارگری ، نقش بسیار مهمی در بسط مبارزه طبقاتی پرولتاریای روسیه ، دمکراتیک کردن محیط کارخانه ، مقابله با استبداد سرمایه و مقابله با ازم گسیختگی اقتصادی ایفا نمودند . اما اهمیت آنها بسی فراتر از این بود . کارگران از طریق کنترل تولید و وظائف مرتبط با آن ، مهارتهای مدیریت را کسب نمودند و با این تجربه برای بدست گرفتن قدرت و برقراری مدیریت کارگری آماده شدند . تا تابستان ۱۹۱۷ ، ۲ میلیون و هشتصد هزار کارگر یعنی سه چهارم پرولتاریای صنعتی ، در جنبش کنترل کارگری مشارکت داشتند . (۲۱)

کمیته های کارخانه از همان بدو موجودیت دریافتند که نمیتوانند بدون هماهنگ کردن فعالیت های خود با کمیته های دیگر ، وظائف خود را انجام دهند . از همین رو آغاز به ارتباط با یکدیگر ، تبادل نظر و تشکیل جلسات مشترک و تصمیم گیریهای مشترک نمودند . این روند نخست از موسسات بزرگ دولتی آغاز گردید . این نیاز به هماهنگی از نیاز به تمرکز فعالیت های پراکنده ناشی می شد . تا ماه آوریل روند هماهنگی تا بدانجا پیش رفته بود که کمیته عالی نمایندگان کمیته های کارخانه در موسسات دولتی کار خود را آغاز نمود . در همین حال روند هماهنگی فعالیتهای کمیته های کارخانه در هر ناحیه پایتخت نیز در حال پیشرفت بود . نخستین شورای ناحیه ای کمیته های کارخانه در ۲۹ مارس در جزیره واسیلوسکی ایجاد گردید . یک شورا نیز در ماه مه در ناحیه نوسکی تشکیل شد که ۲۴ کمیته کارخانه را نمایندگی می کرد . (۲۲) شوراهای ناحیه ای ، به کمیته های کارخانه در امور مربوط به کنترل کارگری از جمله مسائل مالی و فنی و تولید ، نظارت بر امر مدیریت ، مواد خام و سوخت ، کمک میکردند . روند شکل گیری شوراهای ناحیه ای در ادامه خود به تشکیل شوراهای مرکزی کمیته های کارخانه پطروگراد انجامید که بلافاصله پس از کنفرانس اول کمیته های کارخانه تشکیل گردید . این شورا که از ۹ بلشویک ، ۲ منشویک ، ۲ اس ار ، یک سندیکا - لیست و یک نفر از سوسیال دمکرات های گروه بین المناطق ترسکی تشکیل شده بود ، وظیفه هماهنگی کنترل کارگری برتولید را برعهده داشت . شورای مرکزی ، کمیسیونها و دپارتمانهای متعددی برای انجام وظائف خود ایجاد کرده بود که به مسائل ارتباط و پرسنل ، اقتصاد ، مالی ، انتشارات ، تبلیغ ، منازعات کارگری ، کنترل فنی - تولید ، سوخت و انرژی ، تخلیه ، تجهیزات کشاورزی برای روستاها ، امور فرهنگی و آموزشی می پرداختند . این شورا نقش مهمی در هماهنگی و تمرکز فعالیت کمیته های کارخانه ایفا می کرد . کمیته های کارخانه در دوران قبل از انقلاب اکتبر مجموعاً ۵ کنفرانس تشکیل دادند . که ۴ کنفرانس آن ، کنفرانس کمیته های کارخانه های پطروگراد بود و آخرین آن که ۱۷ تا ۲۲ اکتبر برگزار شد ، کنفرانس سراسری کمیته های کارخانه روسیه بود . در کنفرانس اول کمیته های کارخانه پطروگراد که در فاصله ۳۰ مه تا ۳ ژوئن تشکیل شد ، نمایندگان ۳۶۷ کمیته کارخانه حضور یافته بودند . (۲۳) در این کنفرانس وضعیت صنایع در پطروگراد ، غیر نظامی کردن صنایع ، کنترل و تنظیم تولید ، مسئله بیکاری و نقش و وظائف کمیته های کارخانه مورد بحث قرار گرفت . در این کنفرانس که از یک اکثریت بلشویکی برخوردار بود ، قطعنامه لنین در مورد ضرورت اقداماتی برای مقابله با ازم گسیختگی اقتصادی به تصویب رسید . در این قطعنامه با اشاره به ازم گسیختگی اقتصادی و خطراتی که زندگی میلیون ها انسان را تهدید میکرد ، تنها راه مقابله با فاجعه ، برقراری موثر کنترل برتولید و توزیع کالاها ، بازبودن تمام دفاتر بارزگانی برای واری ، بسط کنترل کارگری به تنظیم کامل تولید و توزیع کالا توسط کارگران ، بسط کنترل به عملیات مالی و بانکی ، کار موظف همگانی ، تحکیم میلشیشای کارگری ، ایجاد میلشیشای خلقی سراسری و انتقال تمام قدرت به شوراهای اعلام شده بود . این که از همان آغاز بلشویک ها در اغلب کمیته های کارخانه موقعیت مستحکمی پیدا کردند و در کنفرانس اول حدود سه چهارم نمایندگان کمیته های کارخانه بلشویک بودند ، یا از حزب بلشویک حمایت میکردند بیانگر رادیکالیسم توده های کارگر و رویکردانی سریع آنها از جریانات

رفرمیست بود . کنفرانس اول کمیته های کارخانه پطروگراد ، جهت گیری قطعی کارگران را بسوی حزب بلشویک و برپائی انقلاب سوسیالیستی نشان داد . در کنفرانسهای بعدی کمیته های کارخانه نیز اکثریت بلشویکی قوی تر و قوی تر شد . مسائل مورد بحث نیز در کنفرانس های بعدی عمدتاً مسائلی بود که در کنفرانس اول مورد بحث قرار گرفت و علاوه بر این مسائل سیاسی مربوط به اوضاع سیاسی روسیه ، دردستور کار قرار گرفت .

میلشیشای کارگری و گارد سرخ

میلشیشای کارگری به نحوی با فعالیت کمیته های کارخانه ارتباط داشت . در جریان سرنگونی تزاریسیم و برچیده شدن تشکیلات پلیس و ژاندارمری ، کارگران مسلح شدند و با تشکل در واحدهای میلشیشای کارگری برقراری نظم انقلابی و محافظت از محلات ، شهرها و کارخانه ها را برعهده گرفتند . حزب بلشویک از مسلح شدن هر چه بیشتر کارگران و گسترش و تحکیم میلشیشای کارگری دفاع می کرد . لذا در هر کجا که بلشویکها در شوراها قدرت بیشتری داشتند ، نقش میلشیشای کارگری برجسته تر بود . در آن دسته از شوراهای که منشویکها و اس ارها قدرت بیشتری داشتند ، میلشیشای مدنی وابسته به دوما شهری و ناحیه ای که تحت نفوذ و حکومت موقت دوما قرار داشتند ، تقویت شده بود . در این میان در هر کجا که کمیته های کارخانه تشکیل میشد ، سازماندهی میلشیشای کارگری یکی از وظائف کمیته ها بود . معمولاً کمیته های کارخانه یک کمیسیون میلشیشا تشکیل میدادند . و کمیسهائیهی را برای نظارت بر کارمیلیس ها تعیین می نمودند . تعداد زیادی از کارگران کارخانه ها عضو میلشیشا بودند . در برخی از کارخانه های بزرگ تعداد اعضا میلشیشا به چند هزار نفر میرسید . احزاب منشویک و اس ار که از رشد و قدرت گیری سریع میلشیشای کارگری نگران بودند ، از همان آغاز ، اقداماتی را علیه آن سازمان دادند . در ۷ مارس کمیته اجرائی شورای پطروگراد که اکثریت آنرا سازشکاران تشکیل میدادند ، تصمیم به انحلال میلشیشای کارگری در میلشیشای وابسته به دوماهای شهری گرفت و خواهان ادغام میلشیشای کارگری در دیگری شد . روشن بود که هدف از این کار درهم شکستن قدرت کارگران مسلح است . لذا این تصمیم با مخالفت شدید توده های کارگر ، کمیته های کارخانه و حزب بلشویک روبرو گردید . با وجود فشاری که از سوی دولت موقت و کمیته اجرائی به کارگران وارد آمد و حتی به کارفرمایان دستور داده شد ، دستمزد میلشیشای کارگری را قطع کنند تا به عضویت میلشیشای وابسته به دوما در آیند ، اما اغلب کارگران ایستادگی کردند و تسلیم نشدند . آنها به حیات موجودیت خود ادامه دادند و در ۲۷ مه نخستین کنفرانس میلشیشای کارگری پطروگراد را برگزار کردند . این کنفرانس هرگونه تلاش برای از بین بردن میلشیشای کارگری را محکوم و پیشنهاد بلشویک ها را برای تجدید سازماندهی میلشیشای کارگری بعنوان یک مرحله گذار به میلشیشای خلقی و تسلیح عمومی تمام جمعیت پطروگراد تصویب کرد . این تصمیم مورد تأیید توده های کارگران اغلب کمیته های کارخانه قرار گرفت . واحدهای میلشیشای کارگری یک کنفرانس دیگر در ۳ ژوئن تشکیل دادند و یک شورای میلشیشای خلقی پطروگراد انتخاب نمودند که از هفت نفر بلشویک ، یک انارشویست و لاقل یک اس ار چپ تشکیل شده بود . (۲۴)

علاوه بر واحدهای میلشیشای کارگری ، پس از انقلاب واحدهای نظامی کارگری دیگری نیز شکل گرفته بودند که خود را گاردهای سرخ می نامیدند . گاردهای سرخ وظیفه خود را دفاع از انقلاب و منافع کارگران اعلام کرده بودند . گاردهای سرخ را آگاه ترین و پیشروترین کارگران که عمدتاً بلشویک بودند ، تشکیل می دادند .

" در ۲۸ آوریل ۱۵۶ نماینده از ۹۰ کارخانه که اکثر آنها به احزاب سیاسی وابسته نبودند ، یک کنفرانس تشکیل دادند تا در مورد ایجاد بیشتر واحدهای سرخ بحث و تصمیم گیری کنند . " (۲۵)

کمیته اجرائی شورای پطروگراد تشکیل این کنفرانس را محکوم کرد و آنرا اقدامی از سوی بلشویک ها معرفی نمود . معینا گاردهای سرخ به سرعت گسترش یافتند و تدریجاً واحدهای میلشیشای کارگری نیز خود را گارد سرخ نامیدند . میلشیشای کارگری و گاردهای سرخ تا رویدادهای ماه ژوئیه به حیات علنی خود ادامه دادند . در جریان تظاهرات و بحران ژوئن ، حکومت ائتلافی موقتاً فرصت استفاده کرد تا این واحد های مسلح کارگری را از میان بردارد . اما موفق نشد ، این واحدها مخفی شدند و همین واحدهای مسلح کارگری بودند که در جریان انقلاب سوسیالیستی اکتبر نقش مهمی در سرنگونی حکومت بورژوازی ایفا نمودند .

رویدادهای ژوئیه و پایان قدرت دوگان

تشکیل حکومت ائتلافی در پی بحران آوریل نیز نتوانست بحران را مهار

کند. عدم تحقق مطالبات توده ها روزپروزیردامنه نارضايتی و اعتراض می افزود. اعتصابات کارگری مجدداً رو به افزایش نهادند. کارگران با ابتکارعمل خود برای تحقق مطالباتشان میکوشیدند. جنبش دهقانان برای مصادره اراضی پیوسته گسترش می یافت. سربازان خواهان پایان یافتن جنگ بودند. حکومت ائتلافی برای مهار جنبش دست به تعرض در جبهه ها زد. اما شکست و عقب نشینی، نارضايتی را افزون تر نمود. تجلی این نارضايتی توده ای، تظاهرات گسترده ۴ ژوئیه بود که بار دیگر حدوداً نیم میلیون تن به خیابانها ریختند. در این تظاهرات که بلشویکها نقش اصلی را در سازماندهی آن داشتند، شعارمرگ حکومت موقت، تمام قدرت به شوراهای، اصلی ترین شعار بود. در جریان این تظاهرات سربازان نیز به کارگران پیوستند. حکومت موقت که موقعیت خود را بحرانی دید، سرکوب رادردستورکار قرارداد. تظاهرات کارگران و سربازان را به خون کشید. ۵۴ تن کشته و ۶۵۰ نفر زخمی شدند. (۲۶) در پی این سرکوب، ضدانقلاب دست به یک تعرض وسیع زد. حالت اضطراری اعلام شد. نیروهای وفادار به دولت از جبهه فراخوانده شدند. دستگیری کارگران، خلع سلاح میلیشایی کارگری، و سرکوب سربازانی که در تظاهرات شرکت کرده بودند، آغاز شد. بلشویکها در معرض فشار و بازداشت قرار گرفتند. فعالیت علنی آنها ممنوع و مطبوعاتشان تعطیل شد. در اینجا دیگر عملاً تمام قدرت به ضد انقلاب منتقل گردید و شوراهای تحت رهبری احزاب منشویک و اس ار به زانده دولت بورژوازی تبدیل شدند. قدرت دوگانه پایان یافت. اما این نیز به معنای پایان بحران نبود. اوضاع وخیم تر از آن بود که بورژوازی از طریق حکومت ائتلافی بتواند بر بحران غلبه کند. اعتراضات کارگری دائماً افزایش می یافت. کارگران در چندین کارخانه دست به اعتصاب زده بودند. حزب بلشویک فراخوان یک اعتصاب عمومی را صادر کرد. در ۱۲ اوت متجاوزان ۴۰ هزار کارگر دست به اعتصاب زدند. (۲۷) بورژوازی به آخرین حربه متوسل شد، کودتای نظامی در دستور کار قرار گرفت. روز ۲۵ اوت، سرفرمانده ارتش، ژنرال کورنیلوف نیروهای خود را از جبهه بسوی پتروگراد به حرکت در آورد. به محض این که کارگران از این رویداد باخبر شدند به مقابله با کودتا برخاستند. واحدهای جدیدی از کاردهای سرخ تشکیل شد. بلشویکها که ابتکار عمل را به دست گرفته بودند، بخش های وسیع تری از کارگران را مسلح کردند. مبارزه همه جانبه توده های کارگر، به همراه واحدهای گارد سرخ و ناویان طرفدار حزب بلشویک، کودتا را درهم شکست. با سرکوب کودتا اوضاع بار دیگر تغییر کرد. اکنون دیگر صحت گفتار و سیاستهای حزب بلشویک حتی بر عقب مانده ترین بخش کارگران روشن گردید. اکثریت عظیم کارگران به حزب بلشویک گرایش یافتند. فعالیت شوراهای دوباره احیا شد. در انتخابات میان دوره ای شوراهای شهر و ناحیه پتروگراد که در سپتامبر و اکتبر برگزار شد، کارگران نمایندگان منشویک و اس ار را از شوراهای فراخواندند و به جای آنها نمایندگان بلشویک را به شوراهای فرستادند. حتی تا اواخر ماه اوت، قدرت بلشویکها تا به آن حد رشد کرده بود که در ۳۱ اوت شورای پتروگراد، قطعنامه بلشویکی قدرت به شوراهای را تصویب نمود. در ۵ سپتامبر نیز شورای مسکو این قطعنامه را پذیرفت. این قطعنامه سپس توسط تعدادی از شوراهای در شهرها و مناطق دیگری تصویب رسید. تا اول سپتامبر ۱۲۶ شورای محلی حمایت خود را از انتقال تمام قدرت به شوراهای ابراز داشته بودند. (۲۸) تا اکتبر تعداد آنها به ۲۵۰ رسید. (۲۹) در همین حال مبارزه طبقه کارگر اعتلا می یافت و اکنون دیگر بلشویکها از حمایت و پشتیبانی اکثریت عظیم کارگران برخوردار بودند و اکثریت در تشکلهای کارگری به دست آورده بودند بودند. در حالی که در نخستین ماههای پس از انقلاب تعداد بلشویکها در شوراهای محدود بود و درصد تعداد آنها "در شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد کمتر از ۲/۴ درصد، در شورای نمایندگان کارگران مسکو ۲۲/۸ درصد، در شورای نمایندگان کارگران کیف ۱۴ درصد و در شورای نمایندگان کارگران و سربازان خارکف ۱۲/۸ درصد بود" (۳۰) تا اکتبر، اکثریت نمایندگان را در مهم ترین شوراهای بلشویکها تشکیل میدادند. همین وضع در مورد اتحادیه های کارگری نیز صادق بود. در پی انقلاب فوریه اتحادیه های کارگری سریعاً رشد کردند "در ماه مارس و آوریل تعداد اعضا اتحادیه ها به نیم میلیون رسید و تا اکتبر به بیش از ۳ میلیون افزایش یافته بود." (۳۱) در اتحادیه ها نیز همانند شوراهای در نخستین ماههای پس از انقلاب، اکثریت را منشویکها و اس ارها و طرفداران آنها در دست داشتند و از سیاست منشویکها در مورد بیطرفی اتحادیه ها در مبارزه سیاسی دفاع میکردند. بلشویکها در اتحادیه ها در اقلیت بودند. اما با بسط و تعمیق مبارزه طبقاتی و گرایش روزافزون توده های کارگر به سیاست های انقلابی حزب بلشویک، جریانات فرمیست در اتحادیه ها نفوذ خود را از دست دادند و تا اکتبر اتحادیه

ها نیز جانبدار مواضع و سیاست های حزب بلشویک بودند. در مورد کمیته های کارخانه نیز دیدیم که از همان نخستین کنفرانس، بلشویکها از یک اکثریت قوی برخوردار بودند و در آخرین کنفرانس نیز متجاوز از سه چهارم نمایندگان از مواضع و خط مشی بلشویکها دفاع نمودند. همانگونه که نفوذ و اعتبار بلشویکها در میان کارگران بسط و توسعه می یافت، بر تعداد اعضا حزب بلشویک نیز افزوده می شد. در اواخر ماه فوریه ۱۹۱۷، تعداد اعضا حزب بلشویک ۲۴۰۰۰ بود. رشد حزب در ماههای پس از انقلاب چنان سریع بود که تا پائیز تعداد اعضا حزب بلشویک به ۳۵۰۰۰۰ رسیده بود. حدود ۶۰ درصد اعضا حزب را آگاه ترین و پیشروترین کارگران روسیه تشکیل می دادند. (۳۲) در همین حال که اکثریت کارگران، احزاب فرمیست و سازشکارا طرد میکردند و سیاست های انقلابی حزب بلشویک را تأیید می نمودند. مبارزه انقلابی اعتلا می یافت و اعتصابات وسیعی سراسر روسیه را فرا گرفت. در اوتال در فاصله ژوئیه تا اکتبر ۲۰۹ اعتصاب بوقوع پیوست که شامل ۶۰ اعتصاب اقتصادی، ۷۱ اعتصاب سیاسی و ۷۸ اعتصاب با مطالبات اقتصادی و سیاسی بود. ۱۳۸۱۴۴ کارگر در این اعتصاب شرکت کردند. . . . در اعتصاب عمومی سیاسی اول سپتامبر بیش از ۱۱۰۰۰۰ کارگر شرکت داشتند. خواست کارگران تشکیل فوری کنگره سراسری شوراهای بود. . . . در پایان سپتامبر، اعتصاب عمومی کارگران راه آهن و کارگران نفت باکو بوقوع پیوست. در اعتصاب توده ای کارگران معادن دونباس در سپتامبر و اکتبر، ۲۸۰۰۰۰ کارگر شرکت داشتند. معدنچیان با مصادره چندین معدن، مالکین آنها را که از خواست کنترل کارگری سر باز زده بودند توقیف نمودند. . . . در اوت اعتصاب دباغان مسکو آغاز گردید که در چندین شهردیگرمورد حمایت کارگران قرار گرفت و در سپتامبر به یک اعتصاب عمومی تبدیل شد. . . . در اعتصاب عمومی کارگران راه آهن متجاوز از صد هزار کارگر دست به اعتصاب زدند.

در اکتبر اعتصاب کارگران نساجی منطقه مرکزی بوقوع پیوست که ۳۰۰۰۰ کارگر به اعتصاب دست زدند. کارگران فلز کار خارکف، تولا، نیژنی نووگروود و دیگر شهرها نیز به اعتصاب متوسل شدند. در همه جا مطالبه انتقال قدرت به شوراهای در دستور کار بود. (۳۳)

تدارک قیام مسلحانه و انقلاب سوسیالیستی اکتبر

گسترش اعتصابات، اعتلا روز افزون جنبش کارگری، احیا مجدداً شوراهای، انفراد احزاب منشویک و اس ار و تمایل اکثریت عظیم کارگران به حزب بلشویک، نشان می داد که اوضاع برای سرنگونی بورژوازی و کسب قدرت سیاسی توسط کارگران آماده است. بلشویکها که پس از رویدادهای ژوئیه و پایان قدرت دوگانه شعار تمام قدرت به شوراهای را از دستور کار خارج کرده بودند، با تغییر اوضاع بار دیگر شعار تمام قدرت به شوراهای را مجدداً مطرح کردند. اما طرح این شعار در شرایط نوین، معنای دیگری جز قیام مسلحانه نداشت. حزب بلشویک که از حمایت و پشتیبانی اکثریت عظیم کارگران برخوردار شده بود و شرایط عینی انقلاب را آماده می دید، تدارک نظامی قیام را در دستور کار قرارداد. حزب بلشویک تعداد هرچه بیشتری از کارگران را مسلح کرد. سازماندهی واحدهای تازه ای از کاردهای سرخ را آغاز نمود، واحدهای بلشویک پادگان پتروگراد، و ناویان بلشویک ناوگان بالتیک آماده شدند. اجلاس دهم اکثریت کمیته مرکزی حزب بلشویک که لنین نیز در حالی که مخفی بود در آن شرکت نمود، همه شرایط داخلی و بین المللی را برای برپائی قیام مسلحانه کارگران و کسب قدرت مناسب دید و قطعنامه ای در این باره صادر کرد.

" ۱۶ اکتبر جلسه وسیع کمیته مرکزی با شرکت نمایندگان کمیته پترو _ گراد، کمیته های کارخانه و سندیکاهای کارگری تشکیل شد و قطعنامه کمیته مرکزی در باره قیام مسلحانه را تأیید کرد. " (۳۴)

روز ۲۴ اکتبر، قیام سازمانیافته پرولتاریای روسیه تحت رهبری حزب بلشویک آغاز گردید. واحدهای گارد سرخ کارگران سریعاً تمام مناطق اصلی شهر را به تصرف خود در آوردند. واحدهای پادگان پتروگراد طرفدار بلشویکها و نیز ناویان ناوگان بالتیک دوش به دوش کارگران می جنگیدند. تا صبح روز ۲۵ اکتبر تقریباً تمام شهر به تصرف کارگران درآمده بود. ۱۰ صبح روز ۲۵ اکتبر پیام کمیته نظامی انقلابی که قیام را رهبری میکرد، خطاب به شهروندان انتشار یافت. در این پیام اعلام گردید که "حکومت موقت خلع شده است. قدرت دولتی در دست شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد_ کمیته نظامی قرار گرفته است که پرولتاریای پتروگراد و پادگان را رهبری میکند. کمیته نظامی انقلابی خواستار برقراری قدرت شوراهای درهمه جا گردید. " (۳۵) قیام تا شب ۲۵ اکتبر، کاملاً پیروز شده بود. در همان شب یعنی دقیقاً در ساعت ده و چهل دقیقه بعد از ظهر دومین کنگره شوراهای نمایندگان کارگران و

آکسیون های اعتراضی در خارج کشور علیه سفر خاتمی به فرانسه

هلند _ روز ۲۶ اکتبر به دعوت فعالین سازمان ما، دانشجویان ایرانی _ هلند (هواداران چریکهای فدائی خلق ایران)، اتحاد چپ کارگری، کانون زندانیان سیاسی ایرانی در تبعید، هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) و جمعی از کمونیست های انقلابی، دفتر یونسکو واقع در آمستردام اشغال گردید . این محل از ساعت ۹ و نیم صبح الی یک و پانزده دقیقه بعد از ظهر درتصرف شرکت کنندگان بود. خبر حرکت در روزنامه های سراسری هلند و رادیو و تلویزیون انعکاس یافت. در بخش هایی از اطلاعیه منتشره از سوی نیروهای فوق آمده است: " همزمان با افتتاح سی امین کنفرانس یونسکو در پاریس، در اعتراض به دعوت و سفر خاتمی به فرانسه، دفتر یونسکو را اشغال میکنیم. این اعتراضی است به دوده کشتار و سرکوب در ایران، اعتراض به کشتار اخیرنویسندگان و سرکوب وحشیانه دانشجویان در تابستان سال جاری . . . در چنین شرایطی، خاتمی در راس یک هیئت سیاسی _ اقتصادی راهی فرانسه می گردد تا به بهانه شرکت در اجلاس یونسکو، به انعقاد قراردادهای اساتبار اقتصادی دست زند. از این رو حضور سانسور گران، سرکوبگران، مدافعین واپسگرایی، نابود کنندگان فرهنگ و هنر و آزاد اندیش در فرانسه، توهینی است آشکار به بشریت."

* _ روز ۲۷ اکتبر نیز کنسولگری فرانسه در آمستردام توسط گروهی موسوم به " انقلابیون کمونیست" با بمب های رنگی مورد حمله قرار گرفت که در نتیجه آن شیشه های ساختمان شکسته شد.

سوئیس _ روز ۱۳ اکتبر فعالین سازمان ما به اتفاق ۵ گروه سیاسی چپ، در برابر سفارت فرانسه در سوئیس اجتماع نموده و در اعتراض به سفرخاتمی به فرانسه دست به تظاهرات زدند. خبر این آکسیون در رسانه های گروهی ایرانی و سوئیسی انعکاس یافت.

دانمارک _ به دعوت فعالین سازمان ما، حزب کمونیست ایران، راه کارگر و منفردین چپ، روز ۲۷ اکتبر آکسیون درمقابل سفارت فرانسه در کپنهاگ، در محکومیت سفر خاتمی برگزار گردید. شرکت کنندگان در این آکسیون همچنین متن اعتراضی را به خبرگزاری این کشور ارائه دادند.

استرالیا _ در اعتراض به حضور خاتمی، یک آکسیون اعتراضی به دعوت هواداران سازمان ما، اتحاد فدائیان، حزب رنجبران و تنی چند از منفردین درمقابل دفتر سازمان ملل در سیدنی برگزار شد.

سوئد _ روز ۲۷ اکتبر در مقابل سفارت فرانسه در استکهلم یک تجمع اعتراضی علیه سفر خاتمی برگزار شد. در جریان این آکسیون یک نامه اعتراضی به سفارت خانه تحویل داده شد.

کانادا _ در پی فراخوان مشترک ۸ سازمان، حزب و نهاد، روز ۲۶ اکتبر، تظاهراتی در مقابل کنسولگری فرانسه در ونکوور برگزار شد. تظاهر کنندگان با دادن شعار " مرگ بر جمهوری اسلامی"، " ننگ بر دولت فرانسه"، " هرگونه همکاری با دولت تروریستی جمهوری اسلامی محکوم است"، مخالفت خود را با سفر خاتمی به فرانسه به نمایش گذاشتند.

آلمان _ به دعوت کمیته هماهنگی نیروهای چپ و مترقی، روز ۲۷ اکتبر تظاهراتی در مقابل کنسولگری فرانسه در فرانکفورت برگزار شد. شرکت کنندگان در این آکسیون نامه اعتراضی به معاون کنسولگری در محکومیت دعوت خاتمی تحویل دادند.

در اعتراض به دعوت و حضور خاتمی در فرانسه، موجی از آکسیونهای اعتراضی در خارج کشور براه افتاد. هواداران و فعالین سازمان ما به همراه سایر نیروهای چپ و انقلابی در کشورهای مختلف با برپائی تظاهرات، تحصن و دیگر اقدامات مبارزاتی به حضور خاتمی و دعوت دولت فرانسه از وی، اعتراض نمودند.

فرانسه _ پس از ماهها تدارک، به دعوت دهها گروه و سازمان چپ و انقلابی، اقدامات مبارزاتی در فرانسه برگزار شد. قبل از ورود خاتمی به فرانسه، نامه های اعتراضی به مقامات یونسکو ارسال و دعوت از خاتمی محکوم شده بود. هزاران کارت پستال در محکومیت دعوت و حضور خاتمی، به ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه ارسال گشته بود. از روز ۲۶ الی ۲۹ اکتبر همزمان با ورود و حضور خاتمی در فرانسه، تحصن در " صحن حقوق بشر" پاریس برگزار شد. در آخرین روز تحصن، هزارها اطلاعیه و بیانیه اعتراضی در معابر عمومی توزیع گردید. خبر این آکسیون ها وسیعاً از رسانه های گروهی فارسی زبان و خارجی منعکس شد. در قطعنامه این آکسیون که به امضای قریب به سی سازمان و گروه سیاسی رسیده است، چنین آمده است:

با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران ۲۰ سال پیش تا امروز:

- (۱) بیش از دهها هزار نفر زندانی سیاسی و عقیدتی را اعدام و سیاه چالایش را مملو از آنان کرده است؛
- (۲) آپارتاید جنسی علیه زنان را قانونی و آنان، یعنی نیمی از جامعه را از ابتدائی ترین حقوق محروم کرده است؛
- (۳) قوانین ارتجاعی اسلامی مانند سنگسار و قطع عضو را جاری و ترور و شکنجه را علیه مخالفان اعمال کرده است؛
- (۴) به سرکوب خلقها و بویژه خلق کرد پرداخته است؛
- (۵) کارگران و زحمتکشانشان را از حق تشکل و اتحادیه و اعتصاب منع کرده است؛
- (۶) به سرکوب و کشتار اقشار مختلف جامعه از جمله نویسندگان و دانشجویان پرداخته است؛
- (۷) فعالیت تشکیلات، احزاب و سازمانهای سیاسی لائیک و غیرحکومتی را ممنوع کرده است؛
- (۸) بیش از ۷۰٪ مردم را زیر خط فقر قرار داده است؛

و با توجه به اینکه در دو سال اخیر و تحت ریاست جمهوری اسلامی خاتمی تغییری محسوس در موارد بالا رخ نداده است؛

ما شرکت کنندگان در تظاهرات امروز، دعوت یونسکو و شیراک را از خاتمی اهانته به مردم ایران و تأیید عملی آنان از بی حقوقی و سرکوب مردم ایران دانسته و به شدت آن را محکوم میکنیم. ما خواهان محاکمه کلیه سران رژیم جمهوری اسلامی در دادگاهی بین المللی به جرم جنایت علیه بشریت هستیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی _ زنده باد آزادی

لازم به ذکر است که آکسیونهای اعتراضی در پاریس، تحت شدیدترین اقدامات سرکوب گرانه پلیس فرانسه برگزار شد. در طی چندروز حضور خاتمی، در چندین محله پاریس، عملاً حکومت نظامی برقرار گردید. این اقدامات چنان گسترده بود که در برخی محلات، در برخی بامها، پلیس، تک تیرانداز مستقر نموده بود. همچنین ده ها نفر سرمرزهای آلمان و بلژیک توسط پلیس فرانسه برگردانده شدند.

زیر نویس ها:

- ۱۱_ منتخب آثارلنین _ وظائف پرولتاریا در انقلاب ما _ ترجمه فارسی
- ۱۲_ جنبش بین المللی طبقه کارگر _ جلد سوم
- ۱۳_ تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی ۲۹، ۲۷، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴
- ۱۴_ جنبش بین المللی طبقه کارگر _ جلد ۴ ۲۱، ۲۲، ۲۶، ۲۸، ۳۵ و ۳۶
- ۱۵_ پطروگراد سرخ _ انقلاب در کارخانه ها _ اسمیت ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۴ و ۲۵
- ۲۷_ منتخب آثار لنین _ ترجمه فارسی

(پایان)

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری

سربازان تشکیل گردید. ۶۵۰ نفر به نمایندگی از ۴۰۲ شورای شهری، ایالتی و ناحیه ای از سراسر روسیه، در کنگره حضور یافتند. (۲۶)

کنگره با اکثریت قاطع پیامی را که لنین خطاب به کارگران، دهقانان و سربازان نوشته بود، تصویب کرد. در این پیام گفته شده بود: " کنگره با اتکا به اراده اکثریت عظیم کارگران، سربازان و دهقانان وبا اتکا به قیام پیروزمندان کارگران و پادگان پطروگراد، حاکمیت دولتی را به دست می گیرد.

کنگره مقرر میدارد: تمام قدرت حاکمه در محل ها به شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان که موظف به استقرار نظم انقلابی واقعی هستند، منتقل گردد." (۲۷)

پاسخ به سئوالات

دست گرفته است، چگونه می تواند، بدون دست بردن به بنیانهای جامعه موجود، قدرت را حفظ کند، پاسخی در میان نخواهد بود. در حقیقت این نحوه برخورد به انقلاب جهانی پرولتری در عمل به اینجا ختم خواهد شد که عجلالتا" انقلاب و سوسیالیسم ازدستور کار خارج شود و همه به انتظار روزی باید بنشینند که پرولتاریای جهانی، به قیام جمعی علیه بورژوازی برخیزد و انقلاب جهانی پرولتری را متحقق سازد. اما در واقعیت اوضاع بدین گونه پیش نمی رود، مبارزه طبقاتی در جریان است. تضادها تشدید میشوند و دراین یا آن کشوری که در یک لحظه معین به کانون تضادها تبدیل شده است، انقلاب به وقوع میپیوندد. انقلاب پرولتری هم درواقع، عالی ترین بیان و تجلی مبارزه طبقاتی در مرحله ای معین است. وقتی که مبارزه طبقاتی به این مرحله میرسد که پرولتاریا بورژوازی را سرنگون و قدرت را به دست میگیرد، پرولتاریا برای این که بتواند قدرت سیاسی را حفظ کند، چاره ای جز این ندارد که مبارزه علیه بورژوازی و سرمایه داری را تشدید کند. راه دیگری جز این ندارد که در همان حال که با تمام قوا برای برپائی انقلاب پرولتری، به یاری پرولتاریای دیگر کشورهای سرمایه داری می شتابد، از بورژوازی خودی خلع ید کند و انقلاب اقتصادی را آغاز نماید. اما انقلاب اقتصادی معنای جز دگرگونی بنیادی مناسبات تولیدی موجود و الغا مالکیت خصوصی ندارد. این انقلاب اقتصادی که می خواهد مناسبات موجود را دگرگون سازد، می باید مناسبات تولیدی نوینی را جایگزین مناسبات سرمایه داری سازد. اقدام در این جهت، هیچ معنای دیگر جز اقدام به ساختمان سوسیالیسم نیست بنابراین روشن است که طبقه کارگر که در یک کشور واحد قدرت را به دست می گیرد، اگر نخواهد قدرت را سریعاً ازدست بدهد، راهی جز دست زدن به انقلاب اقتصادی و آغاز ساختمان سوسیالیسم در پیش ندارد. اما آیا وقتی که پرولتاریا در یک کشور واحد سوسیالیسم را بنا میکند این به معنای پیروزی قطعی سوسیالیسم و برگشت ناپذیری آن است؟ خیر. این تلاش هنگامی قطعی و برگشت ناپذیر خواهد بود که طبقات بکلی محو شده باشند. اما محو طبقات، مادام که سرمایه داری بر جهان حاکم است، ممکن نیست. لذا پیروزی قطعی ساختمان سوسیالیسم در گرو وقوع انقلاب پرولتری و سرنگونی بورژوازی لاقول در مهمترین کشورهای سرمایه داریست.

امادرمورد سئوال دیگرهم باید بگوئیم که دولت پرولتری ذاتاً دولت زوال یابنده است. دیگر دولت به معنای اخص کلمه با ارتش مجزا از مردم و بوروکراسی ممتاز و مافوق مردم نیست. وقتی که خلق مسلح جای ارتش مجزا از مردم را میگیرد وقتی که مردم مستقیماً به اعمال حاکمیت سیاسی و کشورداری می پردازند و بوروکراسی را نابود می کنند، ما با دولت زوال یابنده ای روبرو هستیم که تدریجاً کارکردهای سیاسی خود را از دست میدهد. این که خلق مسلح برای مقابله با دشمنان طبقاتی خود درمقیاس جهانی، و دفاع از انقلاب و سوسیالیسم باید از تجهیزات پیشرفته نظامی هم برخوردار باشد، به هیچوجه

پیچیدگی پرونده قتل های زنجیره ای در کجاست؟

زنجیره ای خلاصی یافت؟ پس از فلاحیان نوبت چه کسی است، رفسنجانی، خامنه ای؟ اینجاست که می توان به " پیچیدگی" قتل های زنجیره ای و یافتن آمران و عاملان آن برای وزارت اطلاعات، سازمان قضائی نیروهای مسلح و سایر ارگان های درگیر پی برد. پاسخگوئی به این مسئله بسیار " پیچیده" است چرا که قرار است به نحوی مسئله قتل های زنجیره ای رفع و رجوع شود که نقش مقامات طراز اول جمهوری اسلامی در سازماندهی و تصویب آن پوشیده بماند. " پیچیدگی" پرونده قتل های زنجیره ای ناشی از آن است که سازمان دهندگان آن می خواهند حقیقت ساده ای را زیر آوار اطلاعاتی های سراسر دروغ، توجیه و جملات بی ربط مدفون سازند. تمام تلاش رژیم دریکسالی که از قتل های زنجیره ای میگذرد این بوده که از پاسخ به این سئوالات ساده طفره رود:

— چه کسانی، کدام ارگان، ترورها را طراحی میکنند، کدام ارگان یا ارگان ها طرح ترورها را بطور نهائی تصویب میکند،
— فتوای قتل ها را چه کسانی صادر میکنند،
— مجریان چه کسانی هستند؟
پاسخ این سئوالات برای اکثریت عظیم توده های مردم، و روشنفکران روشن است. از همینروست که خشم و نفرت مردم نسبت به جنایات وحشیانه فوق، متوجه کلیت رژیم است و نه این یامعاون و این یا آن وزارتخانه. سران رژیم هیچ راه گریزی از پاسخگوئی به این سئوال که آمران و عاملان این قتل ها چه کسانی هستند، ندارند. هرتلاش زبوانه ای که طی یکسال گذشته برای پرده پوشی واقعیات به کار گرفته اند، نتیجه ای عکس داده است، به ابهامات افزوده و انگشت اتهام را بسوی سران رده اول حکومت اسلامی نشانه رفته است. سران جمهوری اسلامی عامل اصلی ۲۰ سال کشتار، ترور و سرکوب هستند و دور نیست روزی که به جرم کشتار هزاران تن از مخالفان و از جمله قربانیان قتل های زنجیره ای، محاکمه شوند.

احتیاج دارد چرا که پرونده پیچیده است. ۷ ماه از شکل گیری این پرونده گذشته بود که سران حکومت خواستند با طرح یک سناریو، مسئله را فیصله دهند. اعلام شد شخصی بنام سعید امامی (اسلامی) که "عامل اصلی قتل های زنجیره ای" بوده است، در زندان خودکشی کرده است. این سناریوی مضحک، خود مشکلات جدیدی برای رژیم ایجاد نمود. معلوم شد یکی از عناصر " خودسر" و " محفلی"، معاون امنیتی وزارت اطلاعات و نزدیک ترین فرد به فلاحیان وزیر اطلاعات بوده است که ۸ سال معاونت امور را به عهده داشته و مستقیماً تحت مسئولیت او بوده است. وقتی در مراسم یادبود سعید امامی _ که حتی در درون رژیم نیز کسی باور نکرد او خود کشتی کرده باشد _ حدود ۴۰۰ تن شرکت کردند، وقتی چند از مقامات حکومت آشکارا او را شهید و قربانی نامیدند، تازه ابعاد " محفل" " خودسر" و وزارت اطلاعات اندکی هویدا شد. دست اندرکاران، سعید امامی را " خودکشی" کردند، با این امید که از آشکار شدن نقش مقامات بالاتر او در سازمان دهی ترورها جلوگیری کنند. آنها بدون اینکه خود بدانند، با این اقدام، مسئله سازماندهی ترورها را به مقامی بالاتر از سعید امامی در سلسله مراتب دستگاه امنیتی و کلیت حکومت اسلامی ارجاع دادند. هنگامیکه مسئله چگونگی قتل های زنجیره ای و سازماندهی ترور مخالفان در حد معاونت امنیتی وزارت اطلاعات پاسخ نگردد، به ناگزیر می باید در سطحی بالاتر پاسخ گفته شود بویژه آنکه با " خودکشی" سعید امامی، و " محفلی" بودن اقدامات او کس دیگری پاسخگو نخواهد بود. نفر بعدی فلاحیان است که ۸ سال وزیر اطلاعات و مسئول مستقیم سعید امامی بوده و در دادگاه می کونوس هم به عنوان یکی از عاملان اصلی ترورها در خارج و داخل ایران از او نام برده شده است. اما سازمان دهندگان ترورها، چگونه میتوانند مسئله قتل های زنجیره ای و ترور مخالفان را به فلاحیان ختم کنند، مگر میتوان کاسه ای واجبی به حلقوم او ریخت و از مخصه آمران و عاملان قتل های

پیام همبستگی با اتحادیه SAC

برپائی جامعه انسانی در سراسر جهان با سرمایه و مزدوران آن درنبرد هستند. وفاداری Bjorn به آرمان های شریف انسانی خود تا بدان حد بود که حتی از بدل جان خود نیز در این راه دریغ نکرد.

جانان نازی بدانند که تا زمانی که انسان های شریفی نظیر Bjorn زنده اند، هیچ جایی برای این مزدوران درمیان ما انسانها نیست. ما یکبار در گذشته طعم شکست را به نازیها چشاندیم و در صورتی که تاریخ، برخلاف طبیعت خود، سر تکرار داشته باشد حاضریم کره ارض را یکبار دیگر برای همیشه از شر این عوامل هارسرمایه خلاص کنیم.

Bjorn در مبارزه میلیونها کارگر علیه سرمایه و عوامل آن زنده است.

زنده و جاوید باد خاطره

تمامی رهروان راه رهائی کارگران

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

فعلین سازمان فدائیان (اقلیت) _ دانمارک

تغییری در این واقعیت بوجود نمی آورد که دولت پرولتری دولت زوال یابنده است. طبیعتاً دولت هم هنگامی کاملاً زوال خواهد یافت و محو خواهد شد که طبقات محوشده باشند و انقلاب در مقیاس جهانی به پیروزی رسیده باشد. اما در هرحال با هر پیشرفت انقلاب، دولت پرولتری باید بیش از پیش زوال یابد. هیچ توازون قوایی در سطح جهانی نمی تواند، بهانه و توجیهی برای جایگزینی دولتی دیگری جای دولت زوال یابنده گردد. اگر در جریان یک انقلاب پرولتری، دولت تدریجاً زوال پیدا نکند و بالعکس بیش از پیش به دولت معمولی تبدیل گردد، قطعاً در چنین حالتی، جای خلق مسلح را ارتش حرفه ای مجزا از مردم و جای مردمی که خود باید مستقیماً اداره امور کشور را بر عهده داشته باشند، بوروکراسی ممتاز و مافوق مردم گرفته است. اینجا دیگر با دولت پرولتری روبرو نیستیم. بنا براین روشن است که هیچ تناقضی میان این که دولت پرولتری زوال یابنده است و در عین حال این دولت باید قدرت سرکوب دشمنان داخلی و بین المللی خود را داشته باشد، وجود ندارد.

پاسخ به سئوالات

یکی از رفقا از نشریه کارخواسته است که به دو سؤال وی پاسخ داده شود. سؤال اول این است که آیا از دیدگاه سازمان، امکان سوسیالیسم دریک کشور وجود دارد؟ سؤال دوم هم به این مضمون است که اگر دولت پرولتری دولتی زوال یافته است، در شرایطی که توازن قوا در سطح جهانی چنین امکانی را نمیدهد و ما مجبوریم که دولت قوی با تمام تجهیزات نظامی داشته باشیم، سازمان شما چه پاسخ و راه حلی در قبال این تناقضات ارائه میدهد؟

ج - در پاسخ به سؤال نخست باید بحث را از این نقطه آغاز کنیم که ناموزونی رشد اقتصادی و سیاسی کشورهای سرمایه داری واقعیتی است انکارناپذیر. یا به گفته لنین ناموزونی رشد اقتصادی و سیاسی قانون بی چون و چرای سرمایه داریست. از این واقعیت چه نتیجه ای می توان گرفت؟ این نتیجه که به علت همین ناموزونی ممکن است ابتدا در چند کشور سرمایه داری و یا حتی یک کشور واحد، تضادها به درجه ای تشدید شوند که موقعیت انقلابی پدید آید، طبقه کارگر به قیام علیه بورژوازی برخیزد، بورژوازی را سرنگون کند و انقلاب پرولتری به پیروزی برسد، حال آنکه پرولتاریای اغلب کشورهای هنوز در موقعیتی نباشند که دست به انقلاب بزنند. تجربه نیز همین واقعیت را نشان داده است. حتی در دوران سرمایه داری رقابت آزاد، انقلاب کارگری فرانسه به وقوع پیوست و کمون پاریس ایجاد شد، بدون اینکه همزمان با آن انقلاب کارگری در دیگر کشورهای سرمایه داری به وقوع بپیوندد. در دوران سرمایه داری

انحصاری و بین المللی شدن هر چه بیشتر سرمایه نیز وقوع انقلاب پرولتری روسیه، همین واقعیت را نشان داد. حالا سؤال این است که اگر طبقه کارگر دریک کشور واحد قدرت را به دست گرفت و انقلابی در دیگر کشورهای سرمایه داری رخ نداد چه باید بکند؟ آیا باید دست روی دست بگذارد و منتظر انقلاب درمقیاس جهانی یا لااقل در پیشرفته ترین کشورها باشد، یا در همان حال که با حمایت و پشتیبانی از پرولترهای کشورهای دیگر برای وقوع انقلاب در دیگر کشورها تلاش می کند، باید دگرگونی های سوسیالیستی را آغاز نماید و دست به تجدید سازمان دهی سوسیالیستی جامعه بزند؟

از آنجائی که انقلاب پرولتری مضموناً یک انقلاب جهانی است و تنها در مقیاس جهانی می توان سرمایه داری را به شکلی قطعی برانداخت، برخی ادعا میکنند که طبقه کارگر نه میتواند و نه باید در یک کشور واحد دست به تجدید سازماندهی سوسیالیستی بزند و ساختمان سوسیالیسم را آغاز کند. بحث آنها نیز این است که طبقه کارگر در چنین حالتی باید بکوشد در چارچوب مناسبات موجود، همچنان قدرت سیاسی را حفظ کند و ضمن کمک به پرولتاریای کشورهای دیگر برای سرنگونی بورژوازی، به انتظار وقوع انقلابات پرولتری لااقل در مهمترین کشورهای سرمایه داری بنشیند. حال اگر بهر علتی وقوع انقلابات پرولتری در کشورهای سرمایه داری به تاخیر افتاد و پس از گذشت نزدیک به یک قرن از وقوع انقلاب سوسیالیستی اکتبر در روسیه، حتی در یکی از کشورهای پیشرفته سرمایه داری انقلابی به وقوع نپیوست، طبقه کارگری که قدرت را به

در صفحه ۱۵

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

اطریش
I . S . V . W
Postfach 122
Postamt 1061 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

هلند
P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

گرامی باد هشتاد و دومین سالگرد

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر !

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian - minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaian - minority.org



Organization Of Fedaiian (Minority)

No. 331 nov1999

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی